



مرکز تحقیقات رایانگی

اصفهان

گامی



رسالت
علیهما الصلوة
والتسلیمة

www.ghaemiyeh.com
www.ghaemiyeh.org
www.ghaemiyeh.net
www.ghaemiyeh.ir



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

فرار دختران

نویسنده:

علی غزالی اصفهانی

ناشر چاپی:

مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان

ناشر دیجیتال:

مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان

فهرست

فهرست	۵
فرار دختران	۹
مشخصات کتاب	۹
فرار دختران	۹
مقدمه	۹
۱- مسئله شناسی فرار از خانه	۹
۱-۱) تعریف فرار	۹
۲-۱) انواع فرار	۹
۳-۱) انگیزه های فرار	۱۰
۲- تبیین عوامل مؤثر در فرار دختران	۱۰
توضیح	۱۰
۱-۲) عوامل فردی	۱۰
۲-۲) عوامل خانوادگی	۱۱
۱-۲-۲) نوع خانواده	۱۱
۲-۲-۲) روابط در خانواده	۱۲
۳-۲) عوامل اجتماعی	۱۳
۱-۳-۲) شبکه روابط اجتماعی	۱۳
۲-۳-۲) وسایل ارتباط جمعی	۱۳
۳-۳-۲) شهرنشینی	۱۳
۴-۳-۲) تغییر ارزشها	۱۴
۵-۳-۲) مشکلات اقتصادی	۱۴
۶-۳-۲) ضعف نظارت اجتماعی	۱۵
۳- پیامدهای فرار دختران	۱۵

۱۵	توضیح
۱۵	۱-۳) پیامدهای فردی
۱۶	۲-۳) پیامدهای خانوادگی
۱۶	۳-۳) پیامدهای اجتماعی
۱۷	۴- نقد برخی عملکردها
۱۷	۵-پیشنهادات
۱۸	پی نوشتها
۱۹	فهرست منابع
۱۹	علت فرار دختران
۱۹	علت فرار دختران
۲۰	پیشنهادات
۲۰	الف) توصیه و پیشنهادات برای مسئولین
۲۱	ب) چند توصیه به والدین
۲۲	فرار
۲۲	مقدمه
۲۲	انواع فرار
۲۲	رویکردها
۲۲	توضیح
۲۲	رویکرد انگیزشی
۲۳	رویکرد شخصیتی
۲۳	دیدگاه جامعه شناسی
۲۴	پیشنهادهایی برای حل این معضل
۲۴	منابع
۲۵	آسیب شناسی فرار دختران از خانه

۲۵	مقدمه
۲۵	مسأله شناسی فرار از خانه
۲۵	تعریف فرار
۲۵	چه عواملی منجر به فرار از خانه می شود ؟
۲۶	پیامدهای فرار دختران
۲۶	توضیح
۲۶	پیامدهای فردی
۲۷	پیامدهای خانوادگی
۲۷	پیامدهای اجتماعی
۲۷	راهکارهای مقابله با این مسأله
۲۸	روابط میان پسر و دختر
۲۸	مقدمه
۲۸	دیدگاه قرآن و روایات
۲۸	توضیح
۲۹	۱-طنازی در سخن
۲۹	۲-تأخیر در ازدواج
۲۹	۳-بستر اجتماعی
۲۹	۴-مرحله رشد
۳۰	۵-عدم تقید خانواده به مسائل دینی
۳۰	۶-بی توجهی به نیازهای جوانان در خانه
۳۰	دیدگاه عقل و شرع
۳۰	مفهوم شناسی و راه های برقراری ارتباط
۳۱	بررسی نظریه های ارتباط میان دختر و پسر
۳۱	چشم و گوش ، وسیله معرفت یا ضلالت

۳۲	وظایف فردی و اجتماعی دختران
۳۲	محدوده آزادی روابط دختران و پسران
۳۳	احساسات صادق ، احساسات کاذب
۳۳	کمک به هویت یابی نوجوان
۳۳	عدم آموزش حدود شرعی در روابط محرم و نامحرم
۳۴	دست آورد نگاه
۳۴	استدلالات و تبیین روابط دختر و پسر از نظر اسلام
۳۵	طرح بحث
۳۵	تفاوت «روابط دختر و پسر» در جامعه اسلامی و فرهنگ غربی
۳۶	روابط بین دخترها و پسرها
۳۶	توضیح
۳۶	رابطه زن و شوهری
۳۷	رابطه علمی بین زن و مرد
۳۷	رابطه شغلی و حرفه ای
۳۷	رابطه دوستی بین دختر و پسر
۳۸	معیارهای اسلامی و اخلاقی در روابط
۳۸	توضیح
۳۸	نگاه
۳۸	در پوشش
۳۹	اندیشه و قلب
۳۹	گفتار
۴۰	رفتار
۴۰	منابع
۴۰	درباره مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فرار دختران

مشخصات کتاب

سرشناسه: مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان، ۱۳۸۷ عنوان و نام پدیدآور: فرار دختران/ واحد تحقیقات مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان/ علی غزالی اصفهانی مشخصات نشر: اصفهان: مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان، ۱۳۸۷. مشخصات ظاهری: نرم افزار تلفن همراه و رایانه وضعیت فهرست نویسی: فیپا

فرار دختران

مقدمه

فرار دختران از خانه در جامعه ایرانی به دلیل معیارها، هنجارها و ارزشهای دینی، خانوادگی و اجتماعی، یک آسیب و مسئله اجتماعی می‌باشد، بنابراین ضروری است علل و پیامدهای آن از ابعاد مختلف مورد تحلیل قرار گیرد.

۱- مسئله شناسی فرار از خانه

۱-۱) تعریف فرار

فرار از خانه و اقدام به دوری و عدم بازگشت به منزل و ترک اعضای خانواده، بدون اجازه از والدین یا وصی قانونی خود، در واقع نوعی واکنش نسبت به شرایطی است که از نظر فرد نامساعد، غیرقابل تحمل و بعضاً تغییر ناپذیر است. این عمل معمولاً به عنوان یک مکانیسم دفاعی به منظور کاهش ناخوشایندی و خلاصی از محرکهای آزار دهنده و مضر و دستیابی به خواسته های مورد نظر و عموماً آرزوهای دور و دراز انجام می‌شود. امروزه در اکثر کشورهای جهان، فرار از خانه به یک معضل جدی اجتماعی تبدیل شده است. بر اساس آمار سازمان بهداشت جهانی، سالانه یک میلیون نوجوان ۱۹-۱۳ ساله از خانه فرار می‌کنند که ۷۴ درصد آنها دختر هستند. [۱] در ایران نیز مسئله فرار دختران به عنوان یک معضل مطرح می‌باشد، هر چند آمار و ارقام دقیقی در اختیار نداریم، لیکن اخبار جرائد و مطبوعات از روند رو به رشد این آسیب اجتماعی، [۲] کاهش میانگین سنی دختران فراری [۳] و ظهور پیامدهای ناگوار آن حکایت می‌کند.

۲-۱) انواع فرار

این عمل بر حسب موضوعات مختلف به قرار ذیل قابل دسته بندی می‌باشد: الف) - از نظر جنس و تأهل اقدام به فرار، هم از سوی پسران (و مردان متأهل) و هم از سوی دختران (و زنان متأهل) انجام می‌شود. لازم به ذکر است دلائل چنین اقدامی توسط مردان متأهل و پسران با یکدیگر متفاوت است. زنان متأهل نیز اغلب به دلیل خشونت و مفسد اخلاقی همسر یا اغفال و مفسد اخلاقی خود از خانه متواری می‌شوند. ب) - از نظر اطلاع خانواده در اکثر موارد اقدام به فرار به طور ناگهانی، بدون خبر و اطلاع اعضای خانواده صورت می‌گیرد، اما در برخی شرایط، فرد قصد خود را به صورت «تهدید به فرار» اطلاع می‌دهد. این عمل اغلب در بین پسران فراری معمول است ج) - از نظر تعداد همراهان در شرایطی ممکن است که اقدام به فرار به همراهی فردی از جنس مخالف با زمینه دوستی و قرار ملاقات انجام شود. اخیراً مواردی از فرارهای گروهی در بین دختران مشاهده شده است. اما اغلب،

دختران به تنهایی فرار می‌کنند. د) - از نظر مدت زمان در برخی شرایط فرد پس از فرار و مواجهه با مشکلاتی نظیر عدم امنیت و فراهم نبودن امکانات زندگی، پشیمان می‌شود و در صورت خوش اقبالی، با کمترین لطمات روحی و جسمی توسط نیروهای امنیتی، شناسایی و در مدت زمان کوتاهی به خانه بازمی‌گردد. در چنین وضعیتی به نظر می‌رسد دلایل فرد جهت فرار چندان منطقی نبوده یا فرد برنامه و هدف معینی برای فرار نداشته است. دسته ای از دختران فراری نیز به دلیل شرایط واقعاً نامساعد خانه، حاضر به بازگشت نیستند و برای جلوگیری از اینکار از نام مستعار استفاده می‌کنند و یا اظهار می‌دارند که خانواده ای ندارند. ه) - از نظر مبدأ و مقصد اغلب فرارها از شهرستانها به مرکز یا شهرهای بزرگ انجام می‌شود، هر چند مبدأ و مقصد محدودی از فرارها نیز بالعکس می‌باشد و گاهی نیز از شهرهای کوچک و بزرگ به قصد عزیمت به کشورهای دیگر اتفاق می‌افتد. و) - از نظر تکرار برخی از دختران برای نخستین بار اقدام به فرار می‌کنند و دسته ای دیگر علیرغم تلاشهای مددکاران جهت بازگشت به محیط خانه و خانواده، مجدداً از محیط خانه می‌گریزند.

۱-۳) انگیزه های فرار

آمار نشان می‌دهد انگیزه افراد فراری بر حسب جنس، سن، تحصیلات و محیط زندگی متفاوت است اما انگیزه های ذیل بین همگان عمومیت دارد: الف) - اثبات وجود و جلب توجه اطرافیان و اجبار آنها برای اجرای تمایلات و خواسته های خویش؛ ب) - رهایی از هنجارها، فشارها، تحمیل ها، قید و بندها، خشونتها و آزارهای خانواده و کسب آزادی عمل در رفتارهای فردی و اجتماعی؛ ج) - لجاجت با خانواده، سلب آرامش و ایجاد بدنامی یا مشکل برای آنان به جهت عدم تعلق و دلبستگی به خانواده. د) - تحت فشار قرار دادن دیگران برای تحقق خواسته های خود درخصوص زندگی آینده و موقعیت بهتر اقتصادی.

۲- تبیین عوامل مؤثر در فرار دختران

توضیح

آسیبهای اجتماعی نظیر فرار از خانه دارای زمینه ها و ابعاد مختلفی هستند و عوامل گوناگونی از جمله عوامل فردی، خانوادگی و اجتماعی در شکل گیری آن مؤثر می‌باشد.

۲-۱) عوامل فردی

این دسته از عوامل معطوف به عدم تعادل شخصیتی و اختلال در سلوک و رفتار است که به برخی از آنها اشاره می‌شود. الف) - شخصیت‌های ضد اجتماعی ویژگی‌های این نوع شخصیت، بهم ریختگی ارتباط میان انسان و جامعه و ارتکاب رفتارهای نابهنجار است که مورد قبول جامعه نمی‌باشد، ولی معمولاً نزد عامل آن در اصل و یا در مواقعی خاص، ناپسند شمرده نمی‌شود. افراد روان‌رنجور نسبت به هنجارها و مقررات اجتماعی بی تفاوت بوده و کمتر آنها را رعایت می‌کنند. اعمال این افراد نظام اجتماعی را متزلزل می‌کند و رعایت ارزشهای اخلاقی را به پایین ترین سطح آن تنزل می‌دهد. از مشخصات بارز شخصیت های ضد اجتماعی خود محوری، فریبندگی سطحی و ظاهری، عدم احساس مسئولیت، فقدان بینش نسبت به انگیزه های عمل می‌باشد. آنها به طور تکانشی عمل می‌کنند، به پیامد عمل خود نمی‌اندیشند، در کارهای خود بی پروا و بی ملاحظه هستند و در پند گرفتن از تجربیات، بسیار ضعیف بوده و در قضاوت‌های خود یکسویه می‌باشند. این نوع شخصیتها عمدتاً از محیط خانه و مدرسه فرار می‌کنند. [۴] ب) - شخصیت‌های خود شیفته این شخصیت ها تمایل شدیدی به خودمحوری دارند و پیوسته به تمجید و توجه دیگران نیازمندند و در

روابط خود با مردم به نیازها و احساسات دیگران بی توجه می‌باشند [۵] و با آنها همدردی و علاقه نشان نمی‌دهند. این افراد اغلب با رؤیاهایی در مورد موفقیت نامحدود و درخشان، قدرت، زیبایی و روابط عشقی آرمانی مشغول هستند. این گروه ممکن است مشکلات خود را بی‌همتا پندارند و احساس کنند که فقط افراد هم سطح خودشان آنها را درک می‌کنند. [۶] اغلب این افراد والدینی داشته‌اند که نسبت به آنها محبت با ثباتی نداشته یا سرد و طرد کننده بوده‌اند یا بیش از حد به آنها ارج نهاده‌اند. [۷] نوجوانان خود شیفته، به علت سرکوب خواسته‌ها و فقدان ارضای تمایلات درونی از کانون خانواده بیزار شده و به رفتارهای نابهنجار نظیر فرار از خانه گرایش نشان می‌دهند. (ج) - شخصیت برونگرا «آیزنک» معتقد است بین ویژگی شخصیتی افراد با رفتار نابهنجار آنها رابطه وجود دارد. فرد برونگرا به دنبال لذت جویی آنی است و دم را غنیمت می‌شمارد، دوست دارد در انواع میهمانی‌ها و جشنها شرکت کند، تشنه هیجان و ماجراجویی است، کمتر قابل اعتماد می‌باشد، نمی‌تواند احساساتش را کنترل نماید و بدون تأمل عمل می‌کند. [۸] (د) - شخصیت هیستریونیک (نمایشی) نزد این افراد جلب توجه دیگران اولویت خاصی دارد. دوست دارند پر جوش و خروش صحبت کنند. مشخصه بارز آنها بیان اغراق آمیز، هیجانی، روابط طوفانی بین فردی، نگرش خود مدارانه و تأثیر پذیری از دیگران است. توجه کافی به درک موقعیت ندارند و تمایل دارند با تعمیم عاطفی پاسخ دهند. [۹] این افراد برای آنکه «خود» را ثابت کنند، هر تجربه‌ای را حتی اگر برای آنان گران تمام شود و مشکلاتی را ایجاد نماید، انجام می‌دهند. هیجان طلبی، ماجراجویی، تنوع طلبی، کنجکاوی، استقلال طلبی افراطی، لذت گرایی کوتاه مدت [۱۰] و ارضای تمایلات آنی، خودباختگی احساسی و غلبه کنشهای احساسی بر کنشهای عقلانی از جمله مشکلات رفتاری است که فرد را به سوی موقعیتهای خطرناک نظیر فرار از خانه رهنمون می‌شود. از دیگر مشکلات روحی - روانی که منجر به رفتارهای ضداجتماعی می‌شود، می‌توان به ضعف عزت نفس، احساس کهنتری، فقدان اعتماد به نفس، خود انگاره ضعیف، احساس عدم جذابیت، افسردگی شدید، شیدایی، اختلال خلقی دو قطبی و... اشاره نمود. چنین افرادی معمولاً مستعد انجام رفتارهای نسنجیده، نظیر فرار از خانه می‌باشند.

۲-۲) عوامل خانوادگی

۲-۲-۱) نوع خانواده

به اعتقاد صاحب نظران، خانواده در شکل دهی به زندگی و رفتار فرد تا حد زیادی مؤثر است. اگر خانواده با مشکلات و آسیبهای عدیده‌ای مواجه باشد، روند جامعه پذیری اعضای خانواده مختل می‌شود. «کلمن» در سال ۱۹۸۰ از چهار نوع آسیب برای خانواده نام می‌برد که بر کنشهای نابهنجار فرزندان مؤثر می‌باشد: الف) - خانواده بی کفایت [۱۱] این خانواده فاقد منابع جسمانی یا روانشناختی مؤثر برای سازگاری با عوامل تنیدگی زندگی بهنجار است و نمی‌تواند با مسائل زندگی خانوادگی مقابله کند. ب) - خانواده ضد اجتماعی [۱۲] این خانواده واجد ارزشهایی به شدت مغایر با ارزشهای اجتماعی می‌باشد و رفتارهای نامطلوب را تشویق می‌کند. به اعتقاد «مسرن» و «کروهن» [۱۳] شرایط برخی خانواده‌ها نابهنجاری را تأیید می‌نمایند. (ج) - خانواده آشفته [۱۴] این خانواده با کنشها و اختلالات رفتاری نظیر غیر منطقی بودن، دعوا، تعارض و... مشخص می‌شود و اعضای آن دارای شخصیت های مخرب و غیر عادی هستند که فضای خانه را به اضطراب و تنش می‌کشاند. هر چند والدین در چنین خانواده‌هایی حضور فیزیکی دارند، اما فضای حاکم بر خانواده توأم با طرد فرزندان، عدم محبت و بی توجهی به مسائل آنها می‌باشد. فرد به دلیل کمبود محبت و تربیت ناصحیح در مواجهه با یک محبت کاذب اقدام به فرار می‌کند. والدین چنین خانواده‌هایی در کانون ارتباطات خانوادگی حضور فعال ندارند و فرزندان به حال خود رها شده‌اند و روابط آنها فاقد هر نوع نظارت صحیح می‌باشد و

کارکرد تربیتی و کنترل غیر رسمی خانواده تضعیف شده، آرزوهای بی حد آنومیک شدت یافته و زمینه هنجارشکنی فرزندان فراهم است. این نوع خانواده، فاقد سرمایه اجتماعی است و نمی‌تواند به عنوان یک منبع کنترل، مانع رفتارهای تند جوانان از جمله فرار آنان از خانه شود. (د) - خانواده از هم گسیخته [۱۵] این خانواده به دلیل از دست دادن پدر و مادر خانواده بر اثر مرگ، طلاق و جدایی در اکثر موارد برای تربیت فرزندان و سازگاری اجتماعی آنها دچار مشکل می‌باشد. [۱۶] در چنین خانواده ای فرد با احساس ناکامی و محرومیت، کمبود محبت و خلاء واکنش عاطفی مواجه است و در صورتی که فردی جانشین والدین خانواده شود، احتمال اختلال در هویت خانوادگی و عدم پذیرش او از سوی فرزندان و ناسازگاری با وی و فرزندان ناتنی وجود دارد که همین امر می‌تواند زمینه اختلالات رفتاری مانند فرار از خانه را فراهم کند.

۲-۲-۲) روابط در خانواده

الف) - خشونت در خانواده فرار از خانه یکی از بازتابهای خشونت خانگی است که به دلیل تأثیرات اجتماعی آن قابل تأمل است. اعمال خشونت‌های روحی، جسمی و جنسی از سوی اعضای خانواده (تجاوزات جنسی توسط پدر یا جانشین پدر یا برادر تنی یا ناتنی) عامل بسیار مهمی در فرار برخی از دختران است. بسیاری از دخترانی که قربانی این نوع خشونت‌ها می‌باشند به دلیل ترس از آزاردهندگان و آبروی خویش جرأت اظهار مشکلاتشان را ندارند، لذا از خانه فرار می‌کنند و در شرایطی که از سوی نیروهای امنیتی مجبور به بازگشت شوند، تمایلی به اینکار ندارند، زیرا از محیط ناامن خانه می‌هراسند. ب) - تبعیض در خانه بسیاری از والدین آگاهانه یا ناآگاهانه با تبعیض بین فرزندان، موجب اختلاف بین آنها و دلسردی از زندگی می‌شوند. تبعیض در مواجهه با خطاها و اشتباهات فرزندان دختر و پسر و عدم اتخاذ رویه منطقی برای برخورد با خطاهای فرزندان و تنبیه تبعیض آمیز بر اساس برتری پسر بر دختر یا بالعکس موجب سلب اعتماد به نفس و بدبینی فرزندان نسبت به والدین می‌شود. تبعیض در خانه با روحیه حساس و عزت نفس دختران منافات دارد و لطمات جبران ناپذیری را بر روح و روان آنان وارد می‌کند و با ایجاد بحرانهای روحی و سرخوردگی، آنان را به سوی عکس‌العملهای منفی نظیر فرار از خانه سوق می‌دهد. ج) - محدودیت مطلق در این نوع شیوه تربیتی، فرزندان از آزادی و اختیار لازم، متناسب با سن و شرایط خویش محرومند و باید نظر والدین را بدون آگاهی از علت آن انجام دهند و حق اظهار نظر، دخالت یا تصمیم‌گیری را ندارند. به طور نمونه نمی‌توانند درباره زندگی آینده خویش تصمیم بگیرند و باید تن به ازدواجهای اجباری دهند. در این خانواده‌ها به خواسته‌های مادی و معنوی فرزندان توجهی نمی‌شود، لذا توانایی و مقاومت آنها در هم می‌شکند. فرزندان نسبت به خانواده خود احساس نارضایتی، تحقیر، تنفر و سرخوردگی می‌کنند. زیرا همنوایی با هنجارها و درخواستهای خانواده، برای آنها سنگین بوده و موجب ایجاد تنفر از خانواده می‌شود، لذا از هر فرصتی جهت عدم پیروی از هنجارهای خانواده بهره می‌برند و درصدد هستند با فرار از خانه، از این محدودیت‌ها رهایی یابند. (د) - آزادی مطلق (فرزند سالاری) همانطور که عدم توجه به نیازهای عاطفی فرزندان می‌تواند عامل فرار آنان از کانون خانواده باشد؛ توجه بیش از حد متعارف و در اختیار بودن امکانات فوق حد سنی فرزند (فرزند سالاری) هم می‌تواند زمینه مسائلی چون فرار از خانه را ایجاد نماید. در شیوه فرزند سالاری، اغلب تمایلات و خواسته‌های فرزندان محقق می‌شود، لذا به محض ایجاد مشکلات و بحرانها و فشارهای زندگی که در آن امکان تحقق برخی از آرزوها سلب می‌شود و یا در شرایطی که خواسته‌های فرزند به افراط می‌گراید و والدین با آن مخالفت می‌نمایند، فرزند به دلیل تربیت عاطفی (نه تربیت عقلانی)، روحیه عدم درک منطقی شرایط، نازپروری و کاهش دامنه استقامت و آستانه تحمل در برابر مخالفت والدین و مسائل خانه، عصیان و طغیان نموده و همین امر موجب دوری او از والدین و اعضای خانواده می‌گردد که نهایتاً می‌تواند زمینه فرار از خانه را فراهم نماید. به عبارت دیگر فرد علیرغم وجود خانواده ای که در اغلب موارد خواسته‌های او را جامه عمل پوشانده است، کوچکترین انتقاد یا منعی را تحمل

نمی‌کند و اقدام به فرار می‌نماید. در این شرایط مسائل بسیار کوچک به دلیل پایین بودن آستانه مقاومت، در نظر فرد بزرگ و غیر قابل تحمل جلوه می‌کند. چنین فردی پس از فرار نیز اقدام خود را توجیه می‌کند و با احساس عمیق بیدادگری به متهم کردن اطرافیان می‌پردازد و معتقد است فرار او در جهت احقاق حق از دست رفته خود بوده است. این وضعیت در بین طبقات مرفه و غنی جامعه بیشتر مشاهده می‌شود.

۲-۳ (عوامل اجتماعی)

۲-۳-۱ (شبکه روابط اجتماعی)

طبق نظریه انتقال فرهنگی ساترلند [۱۷] انحرافات و نابهنجاری‌های رفتاری عموماً از طریق گروه‌هایی نظیر دوستان یا خانواده آموخته می‌شود. «اسگود» معتقد است هر چقدر میزان گذران جوان با گروه‌های همسن خود [۱۸] که امور خلاف در آنها هنجار است، بیشتر باشد، فرد هم‌رنگ و همانند آنها می‌شود و برای کسب احترام در گروه، به رفتارهای خود نمایانه نظیر فرار از خانه تشویق می‌شود. [۱۹] فرد عضویت یافته در گروه‌های ناباب، ارزشهای نادرست گروه از جمله نحوه مقابله و برخورد با امر و نهی والدین، نحوه مخالفت و به کرسی نشاندن خواستها و تمایلات نفسانی در خانه،... را درونی می‌کند و با دسترسی به فرصتهای نامشروع، آنها را به مرحله عمل می‌رساند. در این گروه‌ها رفتار کجرو و نابهنجار بسیار عادی و روال شده است و به عنوان ارزشهای مدرن اشاعه می‌شود و نگرشها و نصایح والدین به عنوان ارزشهای منسوخ محسوب می‌شود. بر اساس تحقیقات حدود ۷۹ درصد جوانان به همانند سازی با دوستان خود می‌پردازند.

۲-۳-۲ (وسایل ارتباط جمعی)

رسانه‌های نوشتاری و دیداری دارای کارکردهای سه‌گانه از جمله اطلاع‌رسانی هستند. زمانی که رسانه‌ها موضوع فرار دختران را با ذکر تمام جزئیات منعکس می‌کنند، (البته این کار اغلب با هدف جذب مخاطب و فروش بیشتر انجام می‌شود) در واقع افراد را نسبت به وضعیت افراد فراری که شرایط نامساعد و بغرنج خانه را تحمل نکرده‌اند، مطلع می‌کنند و باعث می‌شوند آنها نیز همین عمل را در مواجهه با مسائل خانواده تکرار کنند. ضمن آنکه قبح مسئله تا حد بسیار زیادی در اذهان شکسته شده و به عنوان یک عمل عادی جلوه می‌نماید. از سوی دیگر برخی از فیلمها و سریالهای تلویزیونی مشوق فرار از خانه است، ترویج روحیه استقلال‌طلبی غیر منطقی در سنین نوجوانی، تنوع‌طلبی، عدم رعایت احترام به نظرات والدین و پرخاشگری نسبت به بزرگترها، ترویج فرزندسالاری، مادی‌گرایی و... حتی نمایش فرار جمعی از جوانان، بدون نمایش صحیح پشیمانی و ندامت آنها، می‌تواند در شیوع این پدیده مؤثر باشد. نقش رسانه‌های جمعی به ویژه ماهواره و اینترنت در رواج بی‌بند و باری اخلاقی، مقابله با هنجارهای اجتماعی، عدم پایبندی مذهبی و بلوغ زودرس نوجوانان در مسائل جنسی حائز اهمیت است.

۲-۳-۳ (شهرنشینی)

بافت اجتماعی شهرهای بزرگ و پیچیدگی روزافزون زندگی شهری، گمنامی و ناشناخته بودن در جمعیت میلیونی شهرهای بزرگ و کاهش نظارت رسمی و غیر رسمی، دور بودن از چنگال قانون و عدم شناسایی دقیق متخلفان، فرصت ارتکاب جرائم و رفتارهای ضد اجتماعی را فراهم می‌کند. جاذبه شهرهای بزرگ، رفاه، تجملات شهری و امکانات مادی، انگیزه در اختیار داشتن

آنها و زندگی در این محیط را مضاعف می‌کند و سیل عظیم جمعیت با هدف یافتن شغل و دستیابی به امکانات فوق مهاجرت می‌نمایند و شهرهای بزرگ را با خرده فرهنگ‌های مختلف درهم می‌آمیزند و بدین ترتیب پایبندی به آداب و رسوم کاهش می‌یابد و آزادی عمل فرد نیز بیشتر می‌شود. گاهی همین سراب زندگی مرفه شهری و آزادی عمل، دختران را به سوی شهرها متواری می‌نماید.

۲-۳-۴) تغییر ارزشها

انسانهای دنیای امروز در چهار راه سرگردانی و تضاد ارزشها گرفتار آمده‌اند و نمی‌دانند به کدامین سو حرکت کنند. از یکسو جامعه بستر نوینی از ارزشهای اجتماعی مدرن را مقابل دیدگان افراد قرار می‌دهد و از سوی دیگر فرد را با بن‌بستهای بسیاری در دستیابی به اهداف جدید مواجه می‌کند. جوان امروز در این شرایط با مشکل بحران هویت، کاهش پایبندی به ارزشهای دینی و اجتماعی و شکاف نسلی بین خود و والدینش مواجه است. گاه آنچه که اجتماع به طور عملی به او می‌آموزد با ارزشهای خانوادگی سنخیتی ندارد و حتی در تناقض آشکار می‌باشد و همین امر شخصیت او را دچار دوگانگی می‌نماید. دختران امروز دچار خود درگیری می‌شوند و برای فرار از این حالت به شیوه‌های مختلفی نظیر فرار از خانه متوسل می‌گردند. [۲۰]

۲-۳-۵) مشکلات اقتصادی

برخی از صاحب‌نظران مشکلات اقتصادی را علت عمده آسیبهای اجتماعی می‌دانند، البته این به مفهوم نگرش تک‌عاملی در تبیین انحرافات نمی‌باشد. به اعتقاد آنان عوامل اقتصادی در چگونگی زندگی فردی و اجتماعی انسانها تأثیر گذار است. فقر و توزیع ناعادلانه ثروت، به همراه فقر فرهنگی زمینه‌ساز انواع رفتارهای نابهنجار می‌باشد. «ژان دولارد» معتقد است انسانها به طور معمول به علت کشمکش درونی ناشی از محرومیت، عکس‌العمل‌هایی نشان می‌دهند، اما نکته قابل تأمل آن است که محرومیت‌های اقتصادی، عکس‌العملهای تند و ضد اجتماعی را تحریک می‌کند زیرا فقر، ترس از مجازات را به حداقل می‌رساند و فرد محروم مسئولیت عمل ضد اجتماعی خود را متوجه بی‌سامانی اجتماعی می‌داند. [۲۱] در شرایطی که یک قشر از جامعه به آسانی ثروت‌های کلان و بادآورده در دست دارند و شخصیت انسانها با ثروت و دارایی آنها سنجیده می‌شود، طبقات زیرین هرم طبقاتی همواره خود را با طبقات بالا-مقایسه می‌کنند و از این توزیع ناعادلانه، احساس محرومیت می‌نمایند، همین احساس محرومیت نسبی [۲۲] موجب می‌گردد که فرد سعی کند به هر طریق ممکن به اهداف و آرزوهای مادی خود دست یابد یا تصمیماتی بگیرد که مشکلات اقتصادی برطرف شود. به طور نمونه در زمان بیکاری و بحران اقتصادی در خانواده، پدر یا جانشین پدر تصمیمات نامناسبی نظیر اجبار دختر به ازدواج با مرد مسن ثروتمند یا اجبار دختر به اشتغال در مشاغل غیر مجاز همانند خرید و فروش مواد مخدر را اتخاذ می‌کند و دختر خانواده نیز متعاقباً درصدد خواهد بود که خود را از این وضعیت اسف‌بار نجات دهد و به استقلال اقتصادی دست یابد، همین امر انگیزه فرار از خانه را در او تقویت می‌کند، غافل از آنکه رو به سوی سیاهی در حرکت است. امروزه فشارها و مشکلات اقتصادی، احتمال دو شغله بودن یا اشتغال نان‌آوران خانواده در مشاغل کاذب یا غیر مجاز را افزایش داده است. همین مسئله منجر به کم‌توجهی آنها نسبت به نیازهای جوانان، رفع مشکلات روحی و روانی و تربیت صحیح و شایسته آنها گردیده است. به اعتقاد «اسگود» در شرایطی که عضو مقتدر خانواده به واسطه اشتغال در شغل دوم، دیر وقت در منزل حضور داشته باشد و نظارت او بر اعضای خانواده کاهش یابد، اعمال ضد اجتماعی نظیر فرار از خانه در جامعه رو به گسترش خواهد بود. [۲۳] در این جهت انعکاس شرایط افسانه‌ای برخی زندگی‌ها و نمایش فاصله‌های طبقاتی توسط رسانه‌ها نقش مؤثری در ازدیاد

این مشکل دارند .

۲-۳-۶) ضعف نظارت اجتماعی

با استناد به انگیزه های فرار دختران از خانه درمی یابیم که اکثر آنان برای کسب استقلال و آزادی روابط در خارج از خانه (جامعه) اقدام به فرار کرده اند . این بدان معناست که جامعه میزان نظارت های اجتماعی دولتی و مردمی (امر به معروف و نهی از منکر ، گزارشات مردمی ، نیروهای بسیج) ... را کاهش داده و آزادی بی قید روابط زنان و مردان را افزایش داده است ، به گونه ای که آنها بدون واگهی و کنترل به امور خلاف می پردازند ، در حالی که این حد افراطی از آزادی ، مقبول بسیاری از خانواده ها نیست . آنها به دلیل همین فضای نامناسب جامعه مجبور می شوند رفتار و ارتباطات اجتماعی دختران خود را محدود کنند و این محدودیت و کنترل ، دختران را با عقده های روحی - روانی مواجه می نماید و آنان احساس خواهند کرد که خانواده ، آنها را درک نمی کند ، در صورتی که برعکس ، خانواده به دلیل آینده نگری و مصلحت اندیشی فرزند و شناخت نسبت به اوضاع اجتماعی ، می کوشد دختر را از حیطة خطر دور سازد ، اما برخی دختران به دلیل حساسیت های روحی و کوتاه بینی ، دلسوزی والدین را به معنای سلب آزادی تعبیر می کنند و در نتیجه اقدام به فرار از خانه می نمایند .

۳- پیامدهای فرار دختران

توضیح

فرار دختران در واقع تعرض به قاعده کهن و مرسوم زمانهای دیروز و امروز است که خانه را محل امن و آرامش افراد می داند ، نه محلی که باید از آن گریخت . این تعرض و جدال ، جامعه را تحریک کرده و آشفتگی های خاصی را دامن می زند . هنگامی که دختری به هر دلیل منطقی یا غیرمنطقی از خانه فرار می کند ، خود و پیرامونش ، یعنی خانواده و جامعه را تا شعاعی وسیع به طرق مختلف در معرض آسیبها و خطرات بسیار زیادی قرار می دهد . این پیامدها در بعد فردی ، خانوادگی و اجتماعی قابل بررسی است :

۳-۱) پیامدهای فردی

فرار ، آغاز بی خانمانی و بی پناهی است و همین امر ، زمینه ارتکاب بسیاری از جرائم را فراهم می کند . دختران فراری برای امرار معاش به سرقت ، تکدی گری ، توزیع مواد مخدر ، مشروبات الکلی و کالاهای غیر مجاز ، روسپیگری ، عضویت در باندهای مخوف و کثیف اغفال و فحشاء اقدام می کنند . برخی از این دختران پس از فرار در ساختمانهای متروکه ، پارک ، خانه های فساد . . شب را به صبح می رسانند و از مکانی به مکان دیگر در حرکت هستند ، فقط برای آنکه بتوانند زنده بمانند . آنها با اسامی مستعار و تیپ پسرانه و کارهای مردانه در جمع دوستان (دختر و یا پسر) روزگار فلاکت باری را سپری می کنند . شکارچیان با اغفال این دختران که اغلب شهرستانی ، ساده و بی آرایش می باشند و از اوضاع و احوال شهرهای بزرگ خبر ندارند ، تمام اموالشان را به سرقت می برند و پس از تجاوز به عنف ، یا آنها را رها می کنند و یا پس از شکنجه و آزار به دلیل ناشناخته بودن و غربت ، می کشند . برخی از باندهای فحشاء نیز اقدام به انتقال دختران فراری به کشورهای دیگر ، تجارت سکس و فروش اجزای بدن آنها می کنند . دختران فراری تمام پلهای پشت سر خود را خراب و ویران می کنند . ارتکاب به انواع جرائم و فساد اخلاقی موجب می شود که دچار انواع بیماریها و اختلالات روحی و روانی شوند و برخی از آنها به دلیل سرافکنندگی ناشی از تجاوزات ، دست به

خودکشی می‌زنند. از دیگر پیامدهای ناگوار فرار دختران، روسپیگری و ابتلا به انواع بیماریهای مقاربتی از جمله ابتلا به ویروس ایدز می‌باشد. هر چقدر مدت زمان فرار فرد طولانی‌تر باشد و با افراد بیشتری تماس داشته باشد، خطر ابتلا به ویروس ایدز افزایش می‌یابد.

۲-۲) پیامدهای خانوادگی

فرار دختران می‌تواند بزرگترین لطمه و ضربه برای حیثیت و شرافت خانوادگی فرد باشد. این عمل اولاً نشانه‌ای از ناکارآمدی خانواده در تربیت فرزند، شکاف نسلی بین والدین و فرزندان و اختلافات خانوادگی است و ثانیاً از آنجا که فرجام و سرانجام فرار دختران در اکثر موارد چنانچه ذکر گردید گرفتار آمدن در دایره تنگ باندهای فساد و فحشاء و ارتکاب جرائم اخلاقی است، لذا فرار به مفهوم لکه‌ننگ و بدنامی برای خانواده محسوب می‌شود و بدین لحاظ است که فرار دختران، کمتر توسط خانواده‌ها گزارش می‌شود و اغلب پس از بی‌نتیجه ماندن جستجوها و تلاشهای خانوادگی، فرار دختر با عنوان فقدان دختر (دزدیده شدن او) به مراجع قضایی گزارش می‌شود. فرار دختران زندگی آینده آنان را به تباهی و سیاهی می‌کشاند. احتمال تشکیل خانواده برای دختر فراری به دلیل تهدید سلامت روحی، جسمی و جنسی (به علت رفتار خلاف اخلاق - خواسته یا ناخواسته) و خدشه دار شدن اصالت و شرافت خانوادگی به حداقل ممکن کاهش یافته و در اغلب موارد به صفر می‌رسد. از طرف دیگر دختران فراری با درگیر شدن در مسائل غیراخلاقی، نمی‌توانند به خانواده بازگردند، مگر آنکه خانواده به این نکته توجه نماید که عدم پذیرش فرد به معنای فروغلتیدن هر چه بیشتر او در منجلا ب فساد و تباهی است، لذا با اکراه، وی را در خانواده جای می‌دهد یا آنکه خانواده دختر فراری، از نوع خانواده از هم گسیخته است و بود و نبود دختر فرق چندانی ندارد. در هر حال زندگی دختر فراری در صورت بازگشت به منزل نیز همراه با مشکلات مضاعف خواهد بود، زیرا خانواده، وی را به دلیل ارتکاب اعمال خلاف، بیشتر از گذشته مستعد کجروی و رفتارهای انحرافی می‌داند، لذا قیود خود را بیشتر خواهد نمود، ضمن آنکه دختر نیز به دلیل تجربه آزادی‌های خارج از خانه که متناسب با سن و موقعیت او نبوده، محیط خانه را غیر قابل تحمل تر می‌داند.

۳-۳) پیامدهای اجتماعی

الف) - افزایش نرخ مفاسد اجتماعی جامعه شناسان معتقدند پدیده‌های اجتماعی همچون حلقه‌های زنجیر به هم متصل و وابسته اند، به طوری که افزایش نرخ آسیب‌هایی چون طلاق، بیکاری، اعتیاد، ... منجر به افزایش آسیب‌های نظیر فرار دختران می‌شود و نکته قابل توجه تر آنکه فرار دختران از خانه نیز به افزایش نرخ مفاسد اجتماعی (فعالیت باندهای تجارت دختران، باندهای فحشاء و روسپیگری، اعتیاد) ... منتهی می‌گردد. ب) - تهدید بهداشت اخلاقی و روانی جامعه آسیب‌های اجتماعی از جمله فرار همچون امراض و ویروس‌هایی هستند که اخلاقیات و حیات اجتماعی را با خطر مواجه کرده و منجر به رواج بی‌حرمتی اخلاقی، تخطی از هنجارهای اجتماعی و ایجاد فضای مسموم در جامعه می‌شوند که می‌توانند ضمن لکه دار نمودن عفت عمومی و شکستن حریم‌های اخلاقی، بهداشت روحی و روانی اعضای جامعه را تهدید نموده و آسیب جدی بر سلامت جامعه وارد نمایند. ج) - تحمیل هزینه‌های اجتماعی فرار دختران هزینه‌های فراوانی را بر دوش جامعه و دولت می‌گذارد، به طوری که اقداماتی نظیر دریافت گزارشات فقدان دختر و شناسایی دختران فراری توسط نیروهای چندگانه امنیتی، بازجویی و انجام مراحل قضایی، ایجاد مراکز مختلف - مانند کانون اصلاح و تربیت و مراکزی که قبلاً در زمینه ساماندهی دختران فراری فعال بودند و نیز مسئولیت سازمان بهزیستی - که تماماً هزینه‌های هنگفتی را بر جامعه تحمیل می‌نماید.

۴- نقد برخی عملکردها

در چند ساله اخیر مراکز دولتی تحت عنوان خانه سلامت، خانه ریحانه و خانه سبز و ... جهت کاهش آسیبهای ناشی از فرار دختران و بازتوانی آنها و ارجاع افراد به خانواده تأسیس گردید و پس از چندی متوقف شد. [۲۴] در این بخش به چند نمونه از اشکالات این مراکز اشاره می‌شود: - مؤسسين چنین مراکزى هرگز به ریشه‌ها و علل فرار دختران توجهی نداشتند، بلکه در یک حالت انفعالی با پذیرش مسئله فرار دختران مأمونی موقت را طراحی کرده بودند که متأسفانه به دلیل عدم سرعت در شناسایی دختران، عمدتاً دختران فراری پس از آسیبهای فراوان به مراکز وارد می‌شدند. - این مراکز، محیطی جهت آشنایی دختران فراری با یکدیگر و کسب اطلاعات و تجربیات برای افراد تازه کار از دخترانی بود که برای چندمین بار از خانه متواری می‌شدند. - هیچ دختر فراری، شخصاً به این مراکز مراجعه نمی‌نمود و اغلب پس از مواجهه با مشکلات متعدد و دستگیری، به این مراکز فرستاده می‌شد. لذا اگر فرد شخصاً احساس ناامنی، ناتوانی و نیاز نمی‌کرد و محیط خارج را می‌شناخت، به این مراکز مراجعه نمی‌نمود. - این مراکز در صدد بودند تا برای دختری که از نظر روحی به تعادل رسیده و از نظر اخلاقی می‌تواند به جامعه باز گردد، کمک‌هایی را برای داشتن خانه مستقل ارائه دهند که خود عامل تشویقی برای تکرار و رغبت به کار بود!! [۲۵] - در برنامه‌های آتی این مراکز آموزشهایی برای دختران دانش آموز پیش بینی شده بود تا بیان کند که دختران پس از فرار چه کنند و به کجا مراجعه نمایند!! [۲۶] - دختران فراری در این مراکز، اطلاعاتی در مورد شرایط خانوادگی، کارهایی که در مدت فرار انجام داده بودند، علت حضور در مرکز، برنامه‌های آتی، هنجارها و خرده فرهنگهای خیابان ...، از یکدیگر جذب می‌کردند و کار خود را توجیه می‌نمودند، زیرا مشاهده می‌کردند افراد زیادی مانند آنها فرار کرده‌اند، لذا جسورتر می‌شدند. به راستی چرا چنین مؤسساتی با هزینه‌های هنگفت و بدون کارشناسی و سنجش اشکالات احتمالی کار، تأسیس می‌شوند و بعد از مدت زمانی منحل می‌گردند!!؟

۵- پیشنهادات

همانطور که ذکر گردید دختران فراری از بین اقشار مختلف می‌باشند، با انگیزه‌ها و علل گوناگونی اقدام به فرار می‌کنند و پیامدهای فرار آنان خانواده و جامعه را تهدید می‌کند. در این راستا پیشنهادات ذیل به منظور مقابله قطعی تر نسبت به معضل فرار دختران از خانه ارائه می‌گردد: الف- نهاد خانواده - توجه و رسیدگی بیشتر به نهاد خانواده و سعی در رفع مشکلات مختلف تربیتی، اقتصادی، فرهنگی آنها از طریق دولت. - تقویت و سازماندهی نهادهای مردمی مؤثر در امداد خانواده از جهات مختلف، نظیر کمیته امداد امام خمینی (ره)، بنیادهای خیریه، صندوقهای قرض الحسنه و ... احیای سنتهای دینی و حاکمیت ارزشهای اجتماعی اسلام نظیر وجوب احترام به والدین، رسیدگی به خویشان، نظارت‌های فامیلی چون ولایت پدر، جدپدری، برادر بزرگتر. - نظر به اینکه با استناد به اطلاعات و تحقیقات، بیشتر دختران فراری از بین خانواده‌های نابسامان بوده و اغلب فرزندان طلاق هستند، [۲۷] به کارگیری تمام تمهیدات جهت پیشگیری و کاهش نرخ طلاق از طریق تقویت مراکز مشاوره، اجبار به شرکت در کلاسهای آموزش حقوق و تکالیف زوجین قبل از عقد رسمی، اجبار در مراجعه به مراکز مشاوره از طریق اهرمهای دولتی ... ضروری است. نهایتاً چنانچه خانواده‌ای به دلیل اعتیاد، مرگ والدین، بیکاری و بیماری همسر، ... از هم گسسته شد، می‌توان خانواده را موظف نمود که وضعیت حضانت و تربیت فرزندان را به سازمانی که از سوی دولت مشخص می‌شود، گزارش نماید و این سازمان در رفع مشکلات فرزندان چنین خانواده‌هایی تلاش می‌نماید و نسبت به رفع خشونت‌ها و مشکلات این خانواده‌ها اقدام نماید. ب- آموزش و پرورش از آنجا که بسیاری از دختران فراری (۷۰ درصد) در سنین ۱۶-۱۴ ساله و در دوره‌های

حساس نوجوانی و راهنمایی قرار دارند و با مشکلات متعدد خاص این دوره مواجه می‌باشند؛ لذا بخشی از پیشنهادات جهت پیشگیری از فرار دختران معطوف به وزارت آموزش و پرورش می‌باشد؛ - تهیه و نمایش فیلمهای آموزشی درباره اثرات انواع روشهای نادرست تربیتی (از جمله محدودیت زیاد، آزادی زیاد، فاصله عاطفی، فاصله اطلاعاتی، ...) فقط برای اطلاع والدین؛ - تقویت ارتباط میان والدین دانش آموزان با مربیان و عدم واگذاری مسئولیت تربیت فرزندان به مدرسه یا خانواده به تنهایی؛ - تقویت مراکز مشاوره ای مفید و کارآمد در مدارس یا تمام مناطق آموزش و پرورش استانها و شهرستانها؛ - اجبار در انجام تست روانکاوی و سلامت سنجی روحی و روانی از تمام دانش آموزان و تشخیص و شناسایی کودکان مستعد فرار از لحاظ ویژگی های روحی و خانوادگی و الزام مراقبت های روانکاوی از آنها؛ - بها دادن به مسئله ترک تحصیل دانش آموزان [۲۸] یا فرار آنها از مدرسه و ضرورت ارتباط با خانواده های این دختران؛ - به کارگیری مکانیزم های تشویقی یا اجباری جهت مراجعه دانش آموزان و والدین به مراکز مشاوره (فرهنگسازی در زمینه استفاده از خدمات مشاوره)؛ - آموزش به خانواده جهت اطلاع زود هنگام فرار دختران به پلیس و نوع همکاری آنان، جهت شناسایی هر چه سریعتر و مقابله با خطرات ناشی از فرار؛ ج- نهادهای اجتماعی و بازدارنده برخی دیگر از پیشنهادات مربوط به سایر عوامل اجتماعی است که در کاهش فرار دختران دخیل می‌باشد: - نظارت، ارزشیابی و باز تعریف وظایف دستگاههای ذیربط در امور مربوط به اقشار آسیب دیده و آسیب پذیر جهت هماهنگی و وحدت رویه و بهینه سازی و حتی ادغام آنها؛ - تأسیس یک مرکز توانمند جهت جمع آوری آمار و اطلاعات منطقه ای، کشوری، بین المللی دختران فراری و شبکه های مربوطه؛ - تربیت نیروهای پلیس انتظامی از بین بانوان متعهد و متدین جهت این مسئله خاص؛ - ضرورت آشنایی نیروهای نظامی به ویژه پلیس زن با مسائل روانشناسی دختران فراری و خرده فرهنگ آنها؛ - اعمال مجازات های بسیار سنگین، علنی و جدی (در ملاعام) برای باندهای فساد، اغفال، تجارت جنسی؛ - قانونمند نمودن نحوه درج اخبار مربوط به بخش حوادث و ممانعت از سوء استفاده از بیان جزئیات فرار به دلیل بد آموزی و اشاعه منکرات و جلوگیری از قهرمان سازی مطبوعاتی از این عاملین؛ - به کارگیری نیروهای مردمی و سازمانهای غیردولتی جهت امداد به دختران تحت خشونت خانواده و اطلاع رسانی به نیروهای امنیتی. - تقویت نظارت‌های اجتماعی رسمی و دولتی و نیز نظارت‌های مردمی و محلی از جمله امر به معروف و نهی از منکر جهت پاکسازی فضای جامعه و تعدیل آزادیهای اجتماعی.

پی نوشتها

- ۱ - فتحی، منصوره، نوجوانان فراری بد نیستند، روزنامه جام جم، ۱۰/۱۰/۸۰، [۲] - آمار دختران فراری نسبت به سال ۱۳۸۰ حدود ۱۰ درصد افزایش یافته است. تعداد دختران فراری در سال ۱۳۸۰ بالغ بر ۲۰۰۰ نفر بوده که به ۲۲۰۰ نفر در سال ۱۳۸۱ رسیده است. روزنامه نوروز، ۶/۳/۸۱، [۳] - میانگین سنی دختران فراری، حدود ۲۰-۱۶ سال می‌باشد. روزنامه انتخاب، ۱۳/۱۰/۸۰، [۴] - ابهری، مجید، صص ۶۱-۶۰. [۵] - جمعی از نویسندگان، صص ۲۵۳. [۶] - سارا سون، ایروین جی، صص ۵۱۸. [۷] - همان، صص ۵۵۴. [۸] - ابهری، مجید، صص ۲۸. [۹] - سارا سون، ایروین جی، صص ۵۱۵. [۱۰] - The Shorten hedonism. [۱۱] - The disturb inadequate Family. [۱۲] - Messner and Krohn. [۱۳] - The antisocial Family. [۱۴] - The disturb Family. [۱۵] - Family. [۱۶] - The disturbed Family. [۱۷] - Edwin - [۱۹] - Time with peers - [۱۸] sutherland - رفیع پور، فرامرز، صص ۶۰. [۲۰] - قابضی، علیرضا، صص ۱۱. [۲۱] - مساواتی، مجید، صص ۶۴. [۲۲] - [۲۳] - Relative Deprivation. [۲۴] - رفیع پور، فرامرز، صص ۶۱. [۲۴] - انتخاب، ۲۱/۳/۸۱. [۲۵] - اطلاعات، ۲۵/۱۰/۸۰. [۲۶] - همشهری، ۱۸/۸/۷۹. [۲۷] - همشهری، ۲۵/۱۰/۸۰. [۲۸] - مدیر دفتر آموزش و پرورش راهنمایی اعلام نمود که ۱۹ درصد دانش آموزان کلاس اول راهنمایی، ۲۲ درصد کلاس دوم و ۱۷ درصد دوره سوم راهنمایی

ترک تحصیل کرده اند . جوان ۲۰/۳/۸۱ .

فهرست منابع

۱- ابهری ، مجید ، علل و عوامل بروز آسیبهای اجتماعی ، انتشارات پشتون ، ۱۳۸۰ ۲- بررسی علل ، عوامل و انگیزه های فرار زنان از خانه ، معاونت مبارزه با مفاسد اجتماعی ناجا ، ۱۳۷۰ . ۳- جمعی از نویسندگان ، خشونت و جامعه ، ترجمه دکتر اصغر افتخاری ، انتشارات سفیر ، ۱۳۷۹ ، ۴- رفیع پور ، فرامرز ، آنومی یا آشفتگی اجتماعی ، نشر سروش ، ۱۳۷۸ ۵- سارا سون ، ایروین جی ، روانشناسی مرضی ، ترجمه دکتر بهمن نجاریان و همکاران ، نشر رشد ، ۱۳۷۱ . ۶- کلمن ، جیمز ، سی ، روانشناسی نابهنجار و زندگی نوین ، ترجمه دکتر کیانوش هاشمیان ، انتشارات دانشگاه الزهراء . ۷- صالح ، علیرضا ، بررسی مقایسه ای ویژگیهای شناختی ، رفتاری ، اجتماعی ، کودکان خیابانی و شبانه روزی شهر تهران ، پایان نامه کارشناسی ارشد ، دانشگاه تربیت مدرس ، ۱۳۷۹ . ۸- فرجاد ، محمد حسین ، آسیب شناسی اجتماعی و جامعه شناسی انحرافات ، انتشارات بدر ، ۱۳۷۸ ، چاپ هشتم . ۹- قابضی ، علیرضا ، پرستوهای بی آشیان (بررسی علل فرار دختران) ، مجله اصلاح و تربیت ، اسفند ۷۹ . ۱۰- مساواتی ، مجید ، جامعه شناسی انحرافات ، انتشارات نوبل ، ۱۳۷۴ .

علت فرار دختران

علت فرار دختران

در این راستا پاسخ ۳۰ نفر دختر نوجوان فراری دستگیر شده با پاسخ ۶۰ نفر از نوجوانان راهنمایی و دبیرستای به عنوان گروه گواه (کنترل) مقایسه شده است . یافته های تحقیق نشان می دهد که نابسامانی خانواده ، سردی روابط عاطفی ، متارکه و طلاق ، وجود ناپدری یا نامادری ، فقر فرهنگی و بیسوادی و اعتیاد از مهمترین عوامل بر انگیزنده تمایل فرار در نوجوانان بوده است . تقریباً ۱۰۰ درصد فراریان وضعیت خانواده خود را آشفته و نابسامان توصیف کرده اند در صورتیکه ۹۰ درصد گروه کنترل وضعیت خانواده خود را رضایت بخش یا کاملاً رضایتبخش توصیف نموده اند و تنها ۱۰ درصد اظهار داشته اند که گهگاه شاهد مشاجره والدین خود بوده اند . ۴۳ درصد پدران نوجوانان فراری بیسواد بوده اند در حالیکه در گروه کنترل تنها ۱۱ درصد بیسواد بوده اند و آزمون های آماری معنی دار بودن تفاوت بین فراوانی ها را تائید نموده است . از نظر میزان تحصیلات ، یافته های محقق نشان می دهد ۷۰ درصد نوجوانان در گروه آزمایش قبل از اتمام دوره ابتدایی ترک تحصیل نموده اند و تنها ۶/۶ درصد آنان به دوره دبیرستان راه یافته اند . از نظر تعداد اعضای خانواده میانگین جمعیت در گروه اول ۲۵/۷ نفر و در گروه کنترل ۹۵/۶ می باشد . از نظر وضعیت تحصیلی دو گروه می توان نارضایتی از وضعیت تحصیلی خود را به وضوح در گروه اول مشاهده کرد در صورتیکه در گروه دوم (گواه) اکثراً از وضعیت تحصیل خود راضی بوده اند . افراد فراری پس از ترک خانه با ۳/۶۳ درصد فحشا بیشترین جرم و ۳/۲ درصد ایراد ضرب و جرح کمترین جرم را داشته اند . ۷۵ درصد نوجوانان فراری بیش از یکبار سابقه فرار از خانه را داشته اند . ۶۲ درصد مادران در گروه اول بی سواد بوده اند در صورتیکه در گروه دوم ۳۲ درصد مادران بی سواد بوده اند . از نظر سنی توزیع سن پدران در گروه اول بیشتر و در وسط منحنی قرار دارد . از نظر شغلی ۳۵ درصد پدران در گروه کنترل دارای مشاغل اداری بوده اند در صورتیکه در گروه آزمایش تنها ۵/۱۲ درصد کارمند بوده و مابقی مشاغل چون کارگری و کشاورزی و سایر مشاغل آزاد را برشمرده اند . در این قسمت از پژوهش سعی شد تا با مقایسه پاسخ های دو گروه در مقطع سنی ۱۲-۱۸ سال علل و عوامل فرار دختران نوجوان از خانه را تعیین نمائیم . یافته های پژوهش عبارتند از : ۱- بین تعداد اعضای خانواده و فرار نوجوانان از

خانه رابطه وجود دارد . ۲- بین وضعیت تحصیلی (موفقیت یا شکست) نوجوانان و فرار از خانه ، ارتباط وجود دارد . ۳- میزان تحصیلات پدر با فرار نوجوان از خانه ارتباط دارد . ۴- بین میزان تحصیلات مادر و فرار نوجوان رابطه وجود دارد . ۵- بین سن پدر و فرار فرزند رابطه وجود دارد . یافته های تحقیق نشان می دهند اکثر پدران نوجوانان فراری در دو قطب کم سن و مسن قرار داشته اند در صورتیکه پدران گروه گواه میان سال بوده اند . ۶- بین سن مادر و فرار نوجوانان از خانه رابطه وجود دارد . ۷- وضعیت زندگی و نحوه سازگاری در خانه با فرار نوجوان از خانه ارتباط دارد . یافته های پژوهش نشان می دهد تقریباً صددرصد نوجوانان فراری از خانه وجود ناسازگاری والدین و دیگر اعضای خانواده را تأیید کرده اند در صورتی که در گروه گواه تنها ۳/۸ درصد از وجود ناسازگاری در خانه شکایت کرده اند . ۸- شغل پدر با فرار نوجوان از خانه رابطه دارد . یافته های تحقیق نشان می دهد که اکثریت نوجوانان فراری از خانه پدرانی فاقد شغل مشخص یا کارگر داشته اند در صورتیکه در گروه گواه اکثریت با پدران کارمند بوده است . ۹- میان درآمد والدین و فرار نوجوانان از خانه رابطه وجود دارد . ۱۰- بین اعتیاد والدین و فرار دختران از خانه رابطه وجود دارد . تحقیقات نشان می دهد ۵۲ درصد پدران در گروه اول به یکی از مواد مخدر نظیر تریاک و هروئین معتاد بوده اند در صورتیکه در گروه دوم هیچگونه اعتیادی مشاهده نشده است . ۱۱- بین روش برخورد والدین با فرار از خانه ارتباط وجود دارد . یافته های تحقیق نشان می دهد ۱۰۰ درصد نوجوانان در گروه اول از انواع تنبیه بدنی رنج می برده اند در صورتیکه در گروه گواه ۴۷ درصد اظهار داشته اند هرگز تنبیه نشده اند و تنها درصد کمی ، آن هم بندرت مورد تنبیه قرار گرفته اند و این خود حکایت از آن دارد که اعمال خشونت و تنبیه بدنی فرد را در یک شرایط بحرانی قرار داده که در نتیجه آن اقدام به فرار از خانه نموده است . ۱۲- ترجیحات در چگونگی گذراندن اوقات فراغت با فرار نوجوان از خانه ارتباط دارد . در یک بررسی اجمالی در خصوص ترجیحات چگونگی گذراندن اوقات فراغت دو گروه نشان می دهد در گروه اول هیچ یک تمایلی به ماندن در خانه و گذراندن اوقات فراغت خود با اعضای خانواده از خود نشان نداده اند در صورتی که در گروه دوم ۴۵ درصد پاسخ دهندگان ماندن در خانه را ترجیح داده اند . ۱۳- بین فرار از مدرسه و فرار از خانه رابطه وجود دارد . اطلاعات به دست آمده نشان می دهد که اکثر نوجوانان در گروه اول قبل از اقدام به فرار از خانه بارها مدرسه را بدون اجازه والدین و مسئولین ترک کرده اند در صورتیکه در گروه دوم ۶/۷۶ درصد اظهار داشته اند هرگز مدرسه را بدون مجوز برای چند ساعت ترک نکرده اند . ۱۴- میان ترک بدون مجوز از خانه و فرار از خانه رابطه وجود دارد . بررسی ها نشان می دهد صددرصد افراد فراری قبل از اقدام به فرار از خانه ساعتها وقت خود را بدون اجازه در بیرون خانه (پارک ، سینما و ...) گذرانیده اند . متأسفانه پس از بازگشت به خانه نیز کسی از آنها نپرسیده است کجا بوده و اوقات خود را با چه کسانی گذرانیده اید ، در صورتیکه در گروه گواه ۳/۶۳ درصد اظهار داشته اند هرگز خانه را حتی برای یک ساعت بدون اجازه والدین ترک نکرده اند و تنها یک نفر ۶/۱ درصد اظهار داشته بیش از سه روز بدون مجوز خانه را ترک گفته است که پس از بازگشت شدیداً مورد بازخواست قرار گرفته است . این خود دال بر این است که والدین در گروه اول نظارت چندانی بر رفتار فرزندان خود نداشته اند . ۱۵- وجود نامادری یا ناپدری در خانه با فرار نوجوان از خانه ارتباط دارد . یافته ها نشان می دهد ۳/۱۸ درصد افراد در گروه اول نامادری و ۳۰ درصد نیز گرفتار ناپدری بوده اند که جمعا ۳/۴۸ درصد را تشکیل می دهند ، در صورتیکه در گروه گواه حتی یک مورد نیز گزارش نشده است .

پیشنهادات

الف (توصیه و پیشنهادات برای مسئولین

برای آنکه انحرافی پدیده نباید لازم است تا خانواده بعنوان یک کانون مقدس بیش از پیش مورد توجه قرار گیرد همچنین باید : ۱-

امنیت خانواده از هر حیث تضمین گردد . ۲- نابسامانی ها و اختلافات و بگو مگوها تعطیل گردد یا حداقل از انظار کودکان پنهان بماند . ۳- به امر تعلیم و تربیت فرزندان بذل توجه گردیده و تصور نکنند با سپردن فرزند به مدرسه این تکلیف دیگر از آنان ساقط می گردد . ۴- به حقوق زوجین از نظر اسلام توجه گردد . ۵- والدین با آموزشهای مستمر با اصول و مبانی تربیتی آشنا گردند (ارتقای سطح فرهنگ خانواده) ۶- والدین تشویق گردند تا ساعات بیشتری را در خانواده و با اعضاء آن بگذرانند . ۷- زمینه ها و عوامل ایجاد تزلزل در خانواده از بین برود . ۸- پرورش مذهبی و رعایت اخلاق اسلامی سر لوحه کارها و فعالیت های اجتماعی قرار گیرد . ۹- روح عدالت طلبی و رعایت مساوات بین فرزندان گسترش یابد . ۱۰- همواره شخصیت فرزندان به ویژه در حضور دیگران مورد تکریم قرار گرفته و از سرزنش و تحقیر آنان جداً پرهیز گردد . ۱۱- تشکیل دوره های فشرده و کوتاه مدت قبل از ازدواج برای زوجهای جوان و استفاده از اساتید مجرب و صاحب نظر برای ارائه آموزش های لازم . زیرا بسیاری از زوج های جوان به مسئولیت های سنگین خویش در قبال فرزندان خود آگاهی ندارند . ۱۲- فراهم نمودن تسهیلات لازم برای ادامه تحصیل فرزندان خانواده های بی سرپرست و آسیب پذیر ، زیرا بسیاری از نوجوانان فراری بدلیل فشارهای اقتصادی ترک تحصیل نموده و ابتدا در جستجوی کار به شهرهای بزرگ روی آورده اند و بعداً بر اثر همنشینی با افراد منحرف به سوی انحراف سوق پیدا کرده اند . ۱۳- تاسیس یک مؤسسه شبانه روزی برای نگهداری کودکان بی سرپرست و یا کودکانی که گرفتار سوء سرپرستی می باشند که متأسفانه مورد دوم بسیار بیشتر است و درعین حال کمتر مورد توجه قرار گرفته است . فرار دختران

ب (چند توصیه به والدین

والدین باید توجه داشته باشند که از نظر اسلامی وظیفه دارند تا نسبت به تعلیم و تربیت صحیح فرزندان ، خود را از هیچ کوششی فروگذار نمایند . روایات و احادیث بسیاری به این مهم تأکید دارند به علاوه ضرورت دارد تا به موارد زیر توجه نمایند : ۱- فرزندان خود را از محبت سیراب نموده تا کمبود محبت سبب نشود آنها در جستجوی این نیاز مهم به بیگانه و افراد فاسد و منحرف روی آورند . زیرا بسیاری از انحرافات نه به دلیل کسب پول و یا ارضاء شهوات انجام می گیرد بلکه فقط به دلیل کمبودهای شدید عاطفی و نیاز به محبت به وجود آمده است . ۲- گرچه ممکن است در هر خانه ای گهگاهی مشاجره و درگیری رخ دهد ، اما هرگز نباید این اختلافات و درگیریها به میان فرزندان کشانیده شود و از ذکر این گونه مباحث در حضور آنان جداً خودداری گردد . زیرا احساس امنیت آنها را در خانه متزلزل خواهد نمود . ۳- والدین خانه را به محیطی امن ، صمیمی و دوست داشتنی برای فرزندان تبدیل نموده تا آنها در خانه احساس امنیت نمایند . مسلماً جذب چنین خانواده هائی مانع گریز کودکان و نوجوانان از خانه خواهد بود . ۴- به فرزندان خود احترام بگذارند و صادقانه بکوشید تا آنها را جهت برخورد با مشکلات خویش و حل آن یاری دهید و از پند و اندرز مستقیم به آنها بالاخص در حضور دیگران پرهیز نمائید . ۵- در هر فرصتی سعی شود تا با فرزندان گفتگو نموده و به سخنان آنها نیز گوش فرا دهید و با جلب اعتماد آنان زمینه ای را فراهم آورید تا به راحتی بتوانند مسائل و مشکلات خود را با شما در میان گذارند در پژوهشی که نگارنده در میان دانش آموزان راهنمایی و دبیرستانی به انجام رسانیده است مشخص گردید چنین رابطه ی حسنه ای کمتر بین والدین و نوجوانان وجود دارد . در پاسخ به این سؤال که هنگام برخورد با مشکل مایلند آن را با چه کسی در میان گذرانند ؟ معلم ، مدیر ، مربی ، والدین و دوستان ، ۲۷ درصد آنها والدین را انتخاب کرده بودند که متأسفانه حکایت از سستی روابط عاطفی والدین ، با فرزندان دارد . ۶- هرگز فرزندان خود را به خاطر ضعف و ناتوانی هایش شماتت و سرزنش نکنید و از مقایسه آنان با دیگر هم سن و سال هایش پرهیز نمائید و امتیازات دیگر را به رخ وی نکشید . ۷- بیش از حد توان آنها تکلیف به آنها واگذار نکنید زیرا عدم توفیق در انجام تکالیف محوله وی را دچار احساس بی کفایتی و عدم اعتماد به نفس می نماید در صورتیکه توفیق در انجام وظائف محوله به وی اعتماد به نفس و احساس خود باوری می بخشد . پیامبر

اکرم (ص) بسیار تأکید فرموده اند که به فرزندان خود احترام کنید و به آنان به اندازه توازن تکلیف واگذارید. ۸- به فرزندان خود بیاموزید که از برخورد با مشکلات نهراسیده و در رفع آن به طور منطقی و شجاعانه اقدام نمائید و هرگونه پیشرفت آنها را در این مسیر مورد تشویق قرار دهید. ۹- روح معنویت را در خانه زنده نگهدارید و سعی نمائید تا در اعماق دل فرزندان آن را رسوخ دهید زیرا بهترین نیروی بازدارنده از هرگونه لغزش و انحراف فرد و جامعه همان تقویت روح معنویت و ایمان به خالق جهان هستی است. ۱۰- باید توجه داشت که زمان برای فرزندان با زمانی که خود در آن رشد یافته اند متفاوت بوده و هرگز نباید توقع داشت نسل جدید نیز همان شیوه پیشینیان را در زندگی، آداب و رسوم، لباس پوشیدن، پیشه خود سازنده.

فرار

مقدمه

فرار نوعی رفتار سازش نایافته است که در فرایند آن، کودک یا نوجوان به منظور رهایی از مشکلات موجود در خانه یا به خاطر جاذبه های بیرون از خانه، بدون اجازه والدین یا سرپرست قانونی خود آگاهانه خانه را ترک می کند و سریعاً بدون واسطه به خانه برنمی گردد. (رسول زاده طباطبایی و همکاران ۱۳۸۴)

انواع فرار

انجمن پزشکی نوجوانان (society for assescent medicine) نوجوانان فراری را به چندین گروه که ممکن است با یکدیگر همپوشی داشته باشند تقسیم کرده است. (رسول زاده طباطبایی و همکاران ۱۳۸۴) ۱- فرار های موقعیتی (situational runaways) که بعد از یکی دو روز به خانه بر می گردند. ۲- فرار هایی که بمدت طولانی خانه را ترک کرده و تبدیل به فرارهای کهنه کار و بچه های خیابانی می شوند. ۳- رانده شده ها (Throwaway) که والدین آنها را طرد و مجبور به ترک خانه می کنند. ۴- جوانان سازمان یافته (system youths) که بدلیل فقدان خانواده در پرورشگاهها و موسسات زندگی می کنند و بدلیل عدم تحمل شرایط آنجا فرار می کنند. فرار از خانه پدیده پیچیده ای است که نتیجه تعامل مجموعه ای از عوامل خانوادگی، روانشناختی و اجتماعی است.

رویکردها

توضیح

دو رویکرد نظری مهم در زمینه فرار دختران، رویکرد انگیزشی و رویکرد شخصیتی می باشند رویکرد اول انگیزه های فرار از خانه را مورد بررسی قرار می دهد در حالی که رویکرد دوم به بررسی ویژگی های شخصیتی و روانشناختی نوجوانان فراری می پردازد. (محمد خانی ۱۳۸۶)

رویکرد انگیزشی

(هومر ۱۹۷۳ بنقل محمد خانی ۱۳۸۶) با توجه به بکار گیری رویکرد انگیزشی در مورد دختران فراری انگیزه های آنها را به دو نوع طبقه بندی می کند: "فرار از وضعیت نامناسب خانواده" بعنوان مثال تعارضات و اختلافات خانوادگی "فرار برای رسیدن به اهداف خاص" برای مثال روابط عاشقانه و رمانتیک، گشت و گذار، ارتباط جنسی و... هومر با رد این عقیده که رفتار فرار

از خانه صرفاً واکنشی به تعارضات و کشمکش‌های خانوادگی یا فریاد برای کمک خواهی باشد، اظهار می‌دارد که بسیاری از کودکان صرفاً بدلیل خانوادگی فرار نمی‌کنند نوجوانانی که برای رسیدن به هدفی اقدام به فرار می‌کنند ممکن است مشکلاتی با خانواده یا مدرسه و جامعه داشته باشند ولی بیشتر در جستجوی هیجان هستند هومر این دختران را جستجوگران لذت می‌نامد. آنها به سوی مکانها و افرادی فرار می‌کنند که از آن منع شده‌اند مانند روابط جنسی، مواد و مشروبات الکلی، و معمولاً جذب گروههای بزهکاری می‌شوند.

رویکرد شخصیتی

در این رویکرد، توجه به خصوصیات شخصیتی به عنوان توضیحی برای رفتار فرار از خانه در نظر گرفته شده است که یا فرار را به عنوان یک "نشانه روان رنجوری" می‌بینند و یا بر ارتباط "بین کنترل داخلی و خارجی" فرار تکیه می‌کند. منظور از نبود کنترل خارجی، ناتوانی در تاثیر گذاری بر وقایع خارجی یا مقاومت کردن در برابر آنهاست دخترانی که کنترل خارجی ندارند معمولاً خود را ضعیف می‌پندارند و راحت تر تحت تاثیر قرار می‌گیرند. همچنین منظور از نبود کنترل داخلی وجود رفتارهای تکانشی [۲]، عصبانی شدن، عدم توانایی قضاوت کردن و احساس درماندگی داشتن است. (حمیدی ۱۳۸۳) تحقیقات در زمینه دختران فراری نشان می‌دهد که در گذشته زندگی آنها عوامل زیر قابل تشخیص است: از دست دادن پدر و مادر، در معرض تهدید قرار گرفتن ب مدت طولانی، احساس عدم پذیرش توسط والدین، تنبیه شدید توسط یکی از اعضای خانواده و... بدین ترتیب شرایط گذشته این افراد نقش بسزایی در فرار آنان از خانه داشته است و مطابق با نظریه شناختی بک این تجربه‌های نامساعد دوران کودکی به مرور زمان منجر به شکل گیری خطاهای فکری می‌شود تا زمان بروز یک رویداد تنیدگی زا (معمولاً بلوغ) نهفته باقی می‌ماند زمانی که یک موقعیت شکست زودرس واقع می‌شود افکار منفی فراگیر بروز می‌کند که خود را بشکل عزت نفس پایین نشان می‌دهد. از نظر آدلر نیز فقدان عزت نفس بعنوان مهم ترین متغیر روانی در علت شناسی انحرافات و یا ناسازگاری شخصیت است. همچنین در زمینه ارتباط عزت نفس و بزهکاری نوجوانان تحقیقات متعدد نشانگر یک ارتباط علی مشهود است و مشخصاً عزت نفس با بزهکاری همبستگی منفی دارد. (طهرانی زاده ۱۳۸۴) بررسی‌ها نشان می‌دهد که شکل گیری موفق هویت با سلامت روانشناختی ارتباط دارد (ولی اوراس و بوسما ۲۰۰۵ بنقل از شاره و همکاران ۱۳۸۶) سطح پایین روانشناختی باعث رشد آهسته تر در فرآیند شکل گیری هویت می‌شود بررسی‌های طولی نشانگر ارتباط بین پایگاههای تعلیق (موراتوریوم) و هویت مغشوش با سطح پائین سلامت روانشناختی می‌باشند. در یک پژوهش در ایران (شاره و همکاران ۱۳۸۶) نشان داده شد که بین پایگاه هویت دختران فراری و دختران غیر فراری تفاوت معنی داری وجود دارد همچنین این پژوهش نشان می‌دهد بین فرار و پایگاه هویت مغشوش رابطه معنی داری وجود دارد.

دیدگاه جامعه شناسی

نظریه بوم شناختی نظریه‌های جامعه شناسی بر نقش اساسی محیط اجتماعی در شکل گیری انحرافات اجتماعی تاکید می‌کنند. نظریه بوم شناختی را جامعه شناسانی چون پارک و برگس مطرح می‌کنند. آنان در تبیین انحرافات اجتماعی بر متغیرهایی که با پدیده شهر نشینی ارتباط دارد نظیر زبان، قومیت، مهاجرت، حوزه‌های سکونت گاهی و تراکم جمعیت تمرکز دارند. (احمدی ۱۳۸۴) به اعتقاد پارک و برگس آن دسته از حوزه‌های درون شهری تجاری و صنعتی که به لحاظ اجتماعی دچار بی‌سازمانی اجتماعی شده‌اند ارزشها و سنتهای بزهکارانه را توسعه می‌دهند. (احمدی ۱۳۸۴) نظریه بی‌سازمانی اجتماعی بر این باور است که عواملی چون کاهش کارایی نهادهای اجتماعی نظیر خانواده و تضعیف تقیدهای خویشاوندی بعنوان نیروهای غیر رسمی کنترل

اجتماعی، کاهش انسجام سنتی اجتماعی که پیامد رشد سریع شهرنشینی، صنعتی شدن و مهاجرت فزاینده به حوزه های شهری است جرایمی نظیر انحرافات جنسی، اعتیاد و... را افزایش می دهد. (احمدی ۱۳۸۴) (اسکافتر ۱۹۹۸ به نقل از حمیدی ۱۳۸۳) در پژوهشی تحت عنوان (جستجوی ارتباط دیدگاههای جدید برای نوجوانان فراری) علت فرار و انحراف دختران را ضعف پیوندهای عاطفی نوجوانان با جامعه می داند. او به استناد تئوری پیوند اجتماعی [۳] و نیز تئوری تعهد [۴] معتقد است که در بحث فرار از منزل تعهد اجتماعی شکسته شده است اما علی رغم این از هم گسیختگی، بنظر می رسد نوجوانان در برابر فرار از منزل مقاومت می کنند و فرار آخرین انتخاب برای آنهاست هرچند ممکن است راههای دیگری نیز برای آنها باشد اما نوجوان هیچگونه اطلاعی از آنها ندارد. مخاطراتی که پس از فرار، دختران جوان بی پناه و آسیب پذیر را تهدید می کند معمولاً عبارتند از [۵-۳]: گرفتار شدن در دام شبکه های قاچاق دختران و زنان جوان: قاچاقچیان، ایادی خود را در مناطقی مانند پارک ها، مقابل مدارس راهنمایی و دبیرستان ها و اماکن عمومی می گمارند تا با پرسه زدن در این اماکن و شناسایی دخترانی که از منازل خود فرار کرده اند، آنها را با وعده هایی، به دام اندازند. گاهی فرار، پس از طرح دوستی و آشنایی از سوی دلان شبکه های قاچاق و دادن وعده های مختلف چون خروج آسان از کشور و درآمد خوب و زندگی بهتر، اتفاق می افتد-؟. تجاوز، اجبار و تحمیل: معمولاً دختران فراری که آسیب پذیر نیز هستند، گرفتار مشکل تجاوز، اجبار و تحمیل می شوند. قاچاقچیان، دختران جوانی را که به هر انگیزه از خانه خود گریخته اند، وسیله درآمد خود قرار می دهند. آنها را به برقراری ارتباط جنسی و انجام کارهای خلاف مجبور می کنند. در سال های اخیر نوع جدیدی از فریب و قاچاق دختران و زنان از طریق اینترنت مشاهده می شود که بیشتر حاصل گسترش شبکه های ارتباطی مجازی است-؟. انگ اجتماعی و عدم امکان بازگشت به شرایط گذشته، از دیگر مباحث تامل برانگیز در مورد دختران فرار است. و ۴- خطر افزایش عفونت HIV: بزرگترین نگرانی در مورد نوجوانان فراری و بی خانمان، خطر افزایش عفونت HIV می باشد که دلیل آن شیوع بالای مصرف مواد مخدر تزریقی و رفتارهای پر خطر جنسی در نوجوانان فراری و خیابانی می باشد. (green et al ۱۹۹۹ به نقل از شاره ۱۳۸۳)

پیشنادهایی برای حل این معضل

-توجه و رسیدگی بیشتر به نهاد خانواده و سعی در رفع مشکلات مختلف فرهنگی، اقتصادی و تربیتی -بکارگیری تمهیدات لازم جهت پیشگیری و کاهش نرخ طلاق از طریق تقویت مراکز مشاوره و ارائه کلاس های آموزش حقوق و تکالیف زوجین قبل از عقد رسمی -تهیه و نمایش فیلم های آموزشی درباره اثرات روشهای نادرست تربیتی (محدودیت های زیاد و آزادی زیاد، فاصله عاطفی و...) برای والدین -تقویت ارتباط میان والدین با مربیان و تعامل میان مدرسه و خانواده -تقویت مراکز مشاوره مفید و کار آمد در مدارس و مناطق آموزش و پرورش -انجام تست های سلامت سنجی روانی از دانش آموزان و شناسایی نوجوانان مستعد فرار از خانه و الزام مراقبت های مورد نیاز برای آنان (عباسی ۱۳۸۳) و -ایجاد مراکز مشاوره جهت آشتی بین خانواده ها و نوجوانان فراری -ایجاد یک مرکز دولتی و قبول حضانت و تربیت نوجوانان خانواده های گسسته -آشنایی نیروی پلیس با خصوصیات دختران فراری و نحوه برخورد با آنان -تقویت و سازماندهی نهادهای موثر در امداد خانواده ها از جهات مختلف (بطور کلی برقراری عدالت اجتماعی در جامعه)

منابع

- برزگر صادق ۱۳۸۲، فرار دختران، قم: نشر جمال. - حمیدی فریده ۱۳۸۳، تاثیر ساخت خانواده بر فرار دختران، فصلنامه پژوهش زنان دوره ۲، شماره ۳. - رسول زاده طباطبایی کاظم و همکاران ۱۳۸۴، بررسی مقایسه ای ویژگی های شخصیتی، شرایط

اجتماعی و اقتصادی دختران فراری و دختران غیر فراری، دوماهنامه علمی پژوهشی دانشور رفتار، دانشگاه شاهد، سال دوازدهم - دوره جدید، شماره ۱۰. - شماره حسین و همکاران ۱۳۸۶، رابطه بین پایگاه‌های هویت و فرار دختران از خانه، مجله روانپزشکی و روانشناسی بالینی ایران، سال سیزدهم، شماره ۲. - طهرانی زاده مریم و همکاران ۱۳۸۴، بررسی مقایسه‌ای نگرش‌های ناکارآمد در دختران فراری و عادی، فصلنامه علمی پژوهشی رفاه اجتماعی، سال پنجم، شماره ۱۹. - عباسی محمد ۱۳۸۳، عوامل فرار دختران از خانه، مجله علمی تخصصی معرفت، سال سیزدهم شماره ۵. - محمد خانی شهرام ۱۳۸۶، عوامل روانی اجتماعی موثر در فرار دختران از خانه، فصلنامه علمی پژوهشی رفاه اجتماعی، سال ششم، شماره ۲۵.

آسیب شناسی فرار دختران از خانه

مقدمه

فرار آغاز بی خانمانی و بی پناهی است و همین امر زمینه ارتکاب بسیاری از جرایم را فراهم می‌کند. دختران فراری برای امرار معاش به سرقت، تکدی‌گری، توزیع مواد مخدر، مشروبات الکلی و کالاهای غیر مجاز، روسپیگری، عضویت در باندهای مخوف و کثیف اغفال و فحشاء اقدام می‌کنند. برخی از این دختران پس از فرار در ساختمانهای متروکه، پارک و خانه‌های فساد، شب را به صبح می‌رسانند و از مکانی به مکان دیگر در حرکت هستند فقط برای آنکه بتوانند زنده بمانند

مسئله شناسی فرار از خانه

تعریف فرار

فرار از خانه و اقدام به دوری و عدم بازگشت به منزل و ترک اعضای خانواده، بدون اجازه از والدین یا وصی قانونی خود، در واقع نوعی واکنش نسبت به شرایطی است که از نظر فرد نامساعد، غیر قابل تحمل و بعضاً تغییر ناپذیر است. این عمل معمولاً به عنوان مکانیسم دفاعی به منظور کاهش ناخوشایندی و خلاصی از محرکهای آزار دهنده و مضر و دستیابی به خواسته‌های مورد نظر و عموماً آرزوهای دور و دراز انجام می‌شود.

چه عواملی منجر به فرار از خانه می‌شود؟

۱- خشونت در خانواده: اعمال خشونت‌های روحی، جسمی از سوی اعضای خانواده، عامل بسیار مهمی در فرار دختران است. بسیاری از دخترانی که قربانی این خشونت‌ها می‌باشند به دلیل ترس از آزاردهندگان و آبروی خویش، جرات اظهار مشکلاتشان را ندارند، لذا از خانه فرار می‌کنند و در شرایطی که از سوی نیروهای امنیتی مجبور به بازگشت شوند، تمایلی به اینکار ندارند. زیرا از محیط ناامن خانه می‌هراسند. ۲- تبعیض بسیاری از والدین آگاهانه و یا ناآگاهانه با تبعیض بین فرزندان، موجب اختلاف بین آنها و دلسردی آنها از زندگی می‌شوند. تبعیض در مواجهه با خطاها و اشتباهات فرزندان دختر و پسر و تنبیه تبعیض آمیز بر اساس برتری پسر بر دختر یا بالعکس موجب سلب اعتماد به نفس و بدبینی فرزندان نسبت به والدین می‌شود. تبعیض با روحیه حساس و عزت نفس دختران منافات دارد و لطمات جبران ناپذیری را بر روح و روان آنها وارد می‌کند. ۳- محدودیت مطلق: در بعضی خانواده‌ها به خواسته‌های مادی، معنوی فرزندان توجهی نمی‌شود. لذا توانایی و مقاومت آنها در هم می‌شکند، و از هر فرصتی جهت عدم پیروی از هنجارهای خانواده بهره می‌برند و در صدد هستند با فرار از خانه، از این محدودیت‌ها رهایی یابند. ۴- آزادی مطلق: توجه بیش از حد متعارف و در اختیار بودن امکانات فوق حد سنی فرزند می‌تواند زمینه مسائلی چون فرار از خانه را

ایجاد نماید. وقتی که تمایلات و خواسته های فرزندان محقق می شود، لذا به محض ایجاد مشکلات و بحرانها و فشارهای زندگی، که در آن امکان تحقق برخی از آرزوها سلب می شود و یا در شرایطی که خواسته های فرزند به افراط می گراید و والدین با آن مخالفت می نمایند. فرزند، به دلیل تربیت عاطفی (نه تربیت عقلانی) روحیه عدم درک منطقی شرایط، ناز پروری و کاهش دامنه استقامت، عصیان و طغیان نموده و همین امر موجب دوری او از والدین و اعضای خانواده می گردد که نهایتاً می تواند زمینه فرار از خانه را فراهم نماید. ۵- وسایل ارتباط جمعی نقش رسانه های جمعی به ویژه ماهواره و اینترنت در رواج بی بندوباری اخلاقی، مقابله با هنجارهای اجتماعی، عدم پابندی مذهبی و بلوغ زود رس نوجوانان در مسائل جنسی حائز اهمیت است. ۶- شهر نشینی بافت اجتماعی شهرهای بزرگ و پیچیدگی روز افزون زندگی شهری، فرصت ارتکاب جرائم و رفتارهای ضد اجتماعی را فراهم می کند. جاذبه شهرهای بزرگ، رفاه، تجملات شهری و امکانات مادی، انگیزه در اختیار داشتن آنها و زندگی در این محیط را مضاعف می کند و سیل عظیم جمعیت با هدف یافتن شغل و دستیابی به امکانات فوق مهاجرت می نمایند و شهرهای بزرگ را با خرده فرهنگهای مختلف در هم می آمیزند و بدین ترتیب پابندی به آداب و رسوم کاهش می یابد و آزادی عمل فرد نیز بیشتر می شود. گاهی همین سراب زندگی مرفه شهری و آزادی عمل دختران را به سوی شهرها متواری می نماید. ۷- تغییر ارزشها انسانهای دنیای امروز در چهار راه سرگردانی و تضاد ارزشها گرفتار آمده اند و نمی دانند به کدامین سو حرکت کنند. از یکسو جامعه بستر نوینی از ارزشهای اجتماعی مدرن را مقابل دیدگان افراد قرار می دهد و از سوی دیگر فرد را با بن بستهای بسیاری در دستیابی به اهداف جدید مواجه می کند. جوان امروز در این شرایط با مشکل بحران هویت روبروست. گاه آنچه که اجتماع بطور عملی به او می آموزد با ارزشهای خانوادگی سنخیتی ندارد و همین امر شخصیت او را دچار دوگانگی می نماید. دختران امروز دچار خود درگیری میشوند و برای فرار از این حالت به شیوه های مختلفی نظیر فرار از خانه متوسل می گردند. ۸- مشکلات اقتصادی برخی از صاحب نظران مشکلات اقتصادی را علت عمده آسیبهای اجتماعی می دانند. البته این به مفهوم نگرش تک عاملی در تبیین انحرافات نمی باشد. به اعتقاد آنان عوامل اقتصادی در چگونگی زندگی فردی و اجتماعی تاثیر گذار است. فقر و توزیع ناعادلانه ثروت به همراه فقر فرهنگی زمینه ساز انواع رفتارهای نابهنجار می باشد. امروزه فشار و مشکلات اقتصادی، احتمال دو شغله بودن و اشتغال نان آوران خانواده در مشاغل کاذب یا غیر مجاز را افزایش داده است. همین مسئله منجر به کم توجهی آنها نسبت به نیاز جوانان، رفع مشکلات روحی و روانی و تربیت صحیح و شایسته آنها گردیده است.

پیامدهای فرار دختران

توضیح

فرار دختران در واقع تعرض به قاعده کهن و مرسوم زمانهای دیروز و امروز است که نه خانه را محل امن و آرامش و آسایش می داند نه محلی که باید از آن گریخت. این تعرض و جدال جامعه را تحریک کرده و آشفتگیهای خاصی را دامن می زند. هنگامی که دختری به طور غیر منطقی فرار می کند، خود و پیرامونش یعنی خانواده و جامعه را تا شعاعی وسیع به طرق مختلف در معرض آسیبها و خطرات زیادی قرار می دهد. این پیامدها در بعد فردی، خانوادگی و اجتماعی قابل بررسی است.

پیامدهای فردی

فرار آغاز بی خانمانی و بی پناهی است و همین امر زمینه ارتکاب بسیاری از جرائم را فراهم می کند. دختران فراری برای امرار معاش به سرقت، تکدی گری، توزیع مواد مخدر، مشروبات الکلی و کالاهای غیر مجاز، روسپیگری، عضویت در باندهای

مخوف و کثیف اغفال و فحشاء اقدام می کنند. برخی از این دختران پس از فرار در ساختمانهای متروکه، پارک و خانه های فساد، شب را به صبح می رسانند و از مکانی به مکان دیگر در حرکت هستند فقط برای آنکه بتوانند زنده بمانند. دختران فراری تمام پلهای پشت سر خود را خراب و ویران می کنند. ارتکاب به نوع جرایم و فساد اخلاقی موجب می شود که دچار انواع بیماریها و اختلالات روحی و روانی شوند و برخی از آنها به دلیل سر افکنندگی ناشی از تجاوزات دست به خود کشی می زنند. از دیگر پیامدهای ناگوار فرار دختران، روسپیگری و ابتلا به انواع بیماریها از جمله ابتلا به ویروس ایدز می باشد. هر چقدر مدت زمان فرار فرد طولانی تر باشد و با افراد بیشتری تماس داشته باشد، خطر ابتلا به ویروس ایدز افزایش می یابد.

پیامدهای خانوادگی

فرار دختران می تواند بزرگترین لطمه و ضربه برای حیثیت و شرافت خانوادگی فرد باشد این عمل اولاً نشانه ای از نا کار آمدی خانواده در تربیت فرزند، شکاف نسلی بین والدین و فرزندان و اختلافات خانوادگی است. و ثانیاً از آنجا که فرجام و سر انجام دختران در اکثر موارد چنانکه ذکر گردید گرفتار آمدن در دایره تنگ باندهای فساد و فحشاء و ارتکاب جرائم اخلاقی است، لذا فرار به مفهوم لکه ننگ و بدنامی برای خانواده محسوب می شود و بدین لحاظ است که فرار دختران کمتر توسط خانواده ها گزارش می شود و اغلب پس از بی نتیجه ماندن جستجوها و تلاشهای خانوادگی، فرار دختران با عنوان فقدان دختر یا دزدیده شدن او به مراجع قضایی گزارش می شود. از طرف دیگر دختران فراری با درگیر شدن در مسائل غیر اخلاقی نمی توانند به خانواده باز گردند، مگر آنکه خانواده به این نکته توجه نماید که عدم پذیرش فرد به معنای فرو غلتیدن هر چه بیشتر او در منجلاب فساد و تباهی است. در هر حال زندگی دختر فراری در صورت بازگشت به منزل نیز همراه با مشکلات مضاعف خواهد بود.

پیامدهای اجتماعی

جامعه شناسان معتقدند پدیده های اجتماعی همچون حلقه های زنجیر به هم متصل و وابسته اند، بطوری که افزایش نرخ آسیبهایی چون طلاق، بیکاری، اعتیاد، منجر به افزایش آسیب نظیر فرار دختران می شود و نکته قابل توجه آنکه فرار دختران از خانه به افزایش نرخ مفاسد اجتماعی منتهی می گردد. آسیبهای اجتماعی از جمله، فرار همچون امراض و ویروسهای هستند که موجب ایجاد فضای مسموم در جامعه می شوند و می توانند ضمن لکه دار نمودن عفت عمومی و شکستن حریمهای اخلاقی، بهداشت روحی و روانی اعضای جامعه را تهدید نموده و آسیب جدی بر سلامت جامعه وارد نمایند. از دیگر پیامدهای فرار دختران اینست که هزینه های فراوانی را بر دوش جامعه و دولت می گذارد، بطوریکه اقداماتی نظیر گزارشات فقدان دختر و شناسایی دختران فراری توسط نیروهای چند گانه امنیتی، بازجویی و مراحل قضایی، ایجاد مراکز مختلف - مانند کانون اصلاح و تربیت و مراکز که قبلاً در زمینه سازماندهی دختران فراری، فعال بودند و نیز مسئولیت سازمان بهزیستی - که تماماً هزینه هنگفتی را بر جامعه تحمیل می نماید.

راهکارهای مقابله با این مسأله

زمینه هایی برای مقابله با این مسأله وجود دارند از جمله: توجه و رسیدگی بیشتر به نهاد خانواده و سعی در رفع مشکلات مختلف، تربیتی، اقتصادی، فرهنگی آنها از طریق دولت تقویت و سازماندهی نهادهای مردمی موثر در امداد خانواده از جهات مختلف، نظیر کمیته امداد امام خمینی، بنیاد های خیریه، صندوقهای قرض الحسنه احیای سنتهای دینی و حاکمیت ارزشهای اجتماعی اسلام

نظیر و جوب احترام به والدین، رسیدگی به خویشان، نظارت‌های فامیلی چون ولایت پدر، جد پدری، برادر بزرگتر. نظر به اینکه با استناد به اطلاعات و تحقیقات، بیشتر دختران فراری از بین خانواده‌های نابسامان بوده و اغلب فرزندان طلاق هستند، به کارگیری تمام تمهیدات جهت پیشگیری و کاهش نرخ طلاق از طریق تقویت مراکز مشاوره، اجبار به شرکت در کلاسهای آموزش حقوق و تکالیف زوجین قبل از عقد رسمی، اجبار در مراجعه به مراکز مشاوره از طریق اهرمهای دولتی ضروری است. نهایتاً چنانچه خانواده‌ای به دلیل اعتیاد، مرگ والدین، بیکاری و بیماری همسر از هم گسسته شد، می‌توان خانواده را موظف نمود که وضعیت حضانت و تربیت فرزندان را به سازمانی که از سوی دولت مشخص می‌شود، گزارش نماید و این سازمان در رفع مشکلات فرزندان چنین خانواده‌هایی تلاش می‌نماید و نسبت به رفع خشونت‌ها و مشکلات این خانواده‌ها اقدام نماید. از آنجا که بسیاری از دختران فراری (۷۰٪) در سنین ۱۶-۱۴ ساله و در دوره‌های حساس نوجوانی قرار دارند و با مشکلات متعدد خاص این دوره مواجه می‌باشند. لذا بخشی از پیشنهادات جهت پیشگیری از فرار دختران معطوف به وزارت آموزش و پرورش می‌باشد. همچنین برخی دیگر از پیشنهادات مربوط به سایر عوامل اجتماعی است که در کاهش فرار دختران دخیل می‌باشد: - نظارت، ارزشیابی و باز تعریف وظایف دستگاههای ذیربط در امور مربوط به اقشار آسیب دیده و آسیب پذیر جهت هماهنگی و وحدت رویه و بهینه سازی و حتی ادغام آنها؛ - تاسیس یک مرکز توانمند جهت جمع آوری آمار و اطلاعات منطقه‌ای، کشوری، بین المللی دختران فراری و شبکه‌های مربوط. - تربیت نیروهای پلیس انتظامی از بین بانوان متعهد و متدین جهت این مسئله خاص. - ضرورت آشنایی نیروهای نظامی به ویژه پلیس زن با مسائل روانشناسی دختران فراری و خرده فرهنگ آنها. - اعمال مجازات‌های بسیار سنگین، علنی و جدی (در ملاعام) برای باندهای فساد، اغفال، تجارت جنسی. - قانونمند نمودن نحوه درج اخبار مربوط به بخش حوادث و ممانعت از سوء استفاده از بیان جزئیات فرار به دلیل بد آموزی و اشاعه منکرات و جلوگیری از قهرمان سازی مطبوعاتی از این عاملین؛ - به کارگیری نیروهای مردمی و سازمانهای غیر دولتی جهت امداد به دختران تحت خشونت خانواده و اطلاع رسانی به نیروهای امنیتی. - تقویت نظارت‌های اجتماعی رسمی و دولتی و نیز نظارت‌های مردمی و محلی از جمله امر به معروف و نهی از منکر جهت پاکسازی فضای جامعه و تعدیل آزادیهای اجتماعی منبع: تیبات

روابط میان پسر و دختر

مقدمه

از زمان گسترش جامعه انسانی، مسئله روابط میان پسر و دختر در جوامع مختلف مطرح بوده است. ولی در دوران توسعه سیاسی، اجتماعی و ظهور رسانه‌های جمعی و سمعی و بصری، این مسئله شکل دیگری به خود گرفته و با نگرشی نو، بار دیگر رخ نموده است. از آن جا که امروزه این موضوع، به ویژه در محیط‌هایی مانند: دانشگاه‌ها، سینماها، پارک‌ها، خیابان‌ها و . . . نمود بیشتری یافته است، ضرورت بحث و بررسی آن دو چندان شده است. بی شک پاک کردن صورت مسئله، در وضعیت کنونی ناممکن است. بنابراین، باید با راهکارهای درست، الگوی متناسب با فرهنگ جامعه اسلامی را به نسل جوان ارائه داد.

دیدگاه قرآن و روایات

توضیح

در ایجاد و شکل‌گیری رابطه‌ای نا درست مجموعه عواملی موثر است که می‌توان از میان آنها به نگاه نا مناسب و خود آرایی اشاره کرد. در این مقاله سعی داریم دیگر زمینه‌های ایجاد ارتباطی نا متعادل را بررسی کنیم و راهکارهایی را برای پیشگیری از

آن برای شما بازگو کنیم .

۱- طنازی در سخن

یعنی زنان در برابر مردان آهنگ سخن گفتن را نازک و لطیف کنند ، تا دل او را دچار ریه و خیال های شیطانی نموده شهوتش را برانگیزانند و در نتیجه آن مردی که در دل بیمار است به طمع بیفتد . منظور از بیماری دل نداشتن نیروی ایمان است ، آن نیرویی که آدمی را از میل به سوی شهوات باز می دارد . (۱) قرآن کریم برای جلوگیری از روابط ناسالم میان زنان و مردان می فرماید : "نازک و نرم با مردان سخن مگوئید مبادا آنکه دلش بیمار است به طمع افتد بلکه درست و نیکو سخن بگوئید (" . احزاب . ۳۲) تاثیر کلام به قدری است که مولای متقیان از سلام کردن به زنان جوان خودداری می کند و می فرماید : " می ترسم از این که صدای آنها مرا خوش آید و از اجرم کاسته شود (" . ۲) سخن معمولی و مستقیم بگوئید ، سخنی که شرع و عرف اسلامی (نه هر عرفی) آن را پسندد و آن سخنی است که تنها مدلول خود را برساند ، نه اینکه کرشمه و ناز را بر آن اضافه کنید

۲- تأخیر در ازدواج

زن و مرد ، مکمل نیازهای روحی و روانی یکدیگرند و هر یک بدون دیگری احساس فقر و نیاز می نماید . زن به دنبال تقدیس از جانب مرد و در آرزوی این است که تنها ملکه کاخ عشق و محبتش باشد . (۳) و به قول ویل دورانت : زن فقط وقتی زنده است که معشوق باشد و توجه کردن به او مایه حیات اوست . (۴) و مرد نیازمند کسی است که قلبش برای او بتپد و با گرمی نگاه و کلام پرمهرش ، او را در مواجهه با ناملایمات زندگی امید بخشد و خلاصه اینکه " هر یک از ما ، در جدایی فقط نیمه ای از انسان است و همیشه نگران آن نیم دیگر است (" ۵) تا زمانی که دختر و پسر جوان این نیاز فطری را از راه ازدواج تأمین نکرده و به آرامش روانی نرسیده باشند در معرض خطر هستند . لذا رسول خدا (ص) فرمود : آن کس که ازدواج کند نیمی از دینش را حفظ کرده است (" ۶)

۳- بستر اجتماعی

یک عامل بسیار مهم در ایجاد چنین روابطی ، وجود زمینه ای اجتماعی و گاه پنهان در میان جوانان است . اگر در جامعه جوان چنین افکاری رایج شود که داشتن دوست پسر و یا دوست دختر ، نشانه قدرت و جاذبه اجتماعی است و یا این اندیشه که داشتن چنین روابط ، نشانه بزرگ شدن است و یا پیدا کردن دوست برای یکدیگر را بخشی از پیمان دوستی به شمار آورند ، روز به روز بر میزان این روابط افزوده خواهد شد . برای رهایی از این زمینه فساد راهکارهایی وجود دارد که عبارتند از : الف - اصلاح فرهنگ جامعه : اگر چنین افکاری در جامعه رسوخ کرده باشد بر مسئولین فرهنگی جامعه واجب است که تمام امکانات و تلاش خود را در اصلاح فرهنگ جامعه به کار بگیرند زیرا تا فرهنگسازی درست صورت نگیرد خرده کارها نتیجه مطلوب را به همراه نخواهد داشت . ب - دقت در انتخاب همنشین : باید راههای صحیح دوست یابی را آموزش داد تا جوانان با دید باز و اندیشمندانه همنشین و دوست خود را انتخاب نمایند . رسول خدا (ص) می فرمایند : " دین و منش هر شخصی ، متناسب با دوست و همراه است (" ۷)

۴- مرحله رشد

اریکسون سن ۱۲ - ۲۰ سالگی را مرحله احساس هویت در مقابل سردرگمی هویت می داند و می گوید مشکل این دوره خطر آشفستگی نقش به ویژه هویت جنسی و شغلی نوجوان است . در بعضی موارد جوانانی که قادر به رو در رویی با سردرگمی نقش

جنسی و شغلی خود نیستند، هویتی منفی را انتخاب می‌کنند و به هویت‌ها و نقش‌هایی متکی می‌شوند که به صورت نامطلوب‌ترین و خطرناک‌ترین اعمال به آنها عرضه شده است (۸). یکی از این رفتارهای جایگزین، برقراری ارتباط‌های ناسالم است. برای پیشگیری از بروز این مشکل، باید به نوجوان و جوان در هویت‌یابی کمک کرد تا بتواند برای خویشتن، تصویری رضایت‌بخش و امیدآفرین به دست آورد. عمل انسان مترتب بر شاکله او است به این معنا که عمل هرچه باشد مناسب با اخلاق آدمی است پس شاکله یا هویت نسبت به عمل، نظیر روح جاری در بدن است. (۹) بنابراین بر والدین و مسئولین تعلیم و تربیت واجب است که در راه "هویت‌یابی جنسی" به جوانان کمک کنند تا تصویر روشنی از جنسیت خود و نقش‌های مربوط به آن، برخوردارهای اجتماعی و دوستی دختران و پسران و عشق و امثال آن پیدا کنند.

۵- عدم تقید خانواده به مسائل دینی

جوانان اولین برخوردها و معاشرت‌های ناسالم و مختلط را در خانه تجربه می‌کنند. فرهنگ خانواده است که حد و مرزها را به فرزندان می‌آموزد. لذا قرآن کریم می‌فرماید: "ای مومنان! خود و خانواده خویش را از آتش دوزخ نگاه دارید" (تحریم، ۶). یعنی خود و زن و بچه خود را تعلیم خیر دهید و ادب نمایید. (۱۰) و در نگهداری خانواده همین بس که به آنها امر کنید بدان چه که خدا امر کرده و نهی کنید از آنچه خدا نهی کرده است. (۱۱) اگر خانواده‌ها حدود شرعی را در روابطشان مراعات نکنند، دیگر چه انتظاری از جوانان با آن شرایط روحی و هیجانی می‌توان داشت

۶- بی‌توجهی به نیازهای جوانان در خانه

جوانان به محبت، برقراری صمیمیت، تنوع، تفریح و هر چیزی که شور و نشاط آنان را حفظ کند، نیازمند هستند. اگر والدین این نیازها را تأمین نکنند، خود آنان دست به کار می‌شوند و از آنجا که معمولاً جوانان شتابزده و ناپخته عمل می‌کنند، از هر طریقی برای رفع نیاز خود اقدام می‌کنند. نکته دیگری که باید به آن توجه داشت، پرهیز از بیکاری است. خداوند متعال به پیامبر گرامی اسلام (ص) توصیه می‌فرماید: "هنگامی که از کار مهمی فارغ شدی خود را به کار دیگری مشغول کن" (انشراح، ۷). والدین باید برای اوقات فراغت جوانان خود برنامه داشته باشند. فعالیت‌های اجتماعی، فرهنگی، ورزشی و تفریحی علاوه بر اینکه آنها را از بسیاری از فسادها حفظ می‌کنند، در رشد ابعاد مختلف جوان موثر است. والدین در برخورد با جوانان باید طریق اعتدال را پیش بگیرند و از هرگونه افراط، تفریط، برخورد خشک، خشن و انعطاف‌ناپذیر خودداری کنند. و در ضمن نظارت و کنترل نامحسوس بر رفت و آمد و رفتارهای آنان، شخصیت و حریم خصوصی آنان را حفظ نمایند زیرا اگر شخصیت او از بین برود و عزت و کرامتی نداشته باشد، هیچ امید خیری در او نیست. (۱۲) و از سرزنش و ملامت نیز پرهیز کنند که آتش لجاجت را در آنان شعله‌ورتر می‌کند. (۱۳)

دیدگاه عقل و شرع

مفهوم شناسی و راه‌های برقراری ارتباط

در رابطه دوستی میان دختران و پسران، از اصطلاحاتی مانند: «دوست پسر» و «دوست دختر» استفاده می‌شود. مقصود از دوستی دختران و پسران، رابطه‌ای است نسبتاً صمیمانه و گرم و عمدتاً پنهانی که در قالب دیدارهای مخفیانه، رد و بدل کردن نامه و یا برقراری ارتباط تلفنی بین دختر و پسر، شکل می‌گیرد. این دوستی‌ها ویژگی‌ها و پی‌آمدهایی دارند که باید شناسایی و تحلیل

شوند. در این دوستی‌ها معمولاً پسری با دختری طرح‌آشنایی می‌ریزد. برخی اوقات ممکن است پسری با چند دختر و در مواردی نادر نیز یک دختر با چند پسر نقشه دوستی و آشنایی بریزد. این گونه دوستی‌ها بیشتر پنهانی و دور از چشم خانواده و آشنایان صورت می‌گیرد. بنابراین به علت ناشایست بودن این ارتباط از نظر شرعی و عرفی، دختر و پسر مجبورند به منظور طرح ریزی و فراهم آوردن مقدمات دیدار یا برقراری ارتباط با یکدیگر، توان و زمان بسیاری را صرف کنند. همچنین به سبب پذیرفته نبودن این کارها، از سوی خانواده و جامعه همواره این دوستی‌ها با نگرانی‌هایی همراه است. ارتباط دختر و پسر می‌تواند از این راه‌ها برقرار شود: از طریق نامه‌نگاری (مکاتبه) به وسیله پست یا فکس، از طریق گفت و شنود (مکالمه) حضوری یا تلفنی، از طریق دست دادن (مصافحه)، از طریق نگاه کردن حضوری یا تصویری (رد و بدل کردن عکس) و راه‌هایی دیگر مانند ارتباط اینترنتی و غیره. از آن‌جا که گفت و گوی حضوری و نگاه، از آسان‌ترین راه‌هاست و امکان آن تقریباً به راحتی فراهم می‌آید، بیشتر ارتباطات از این طریق صورت می‌گیرد. ۱. مفهوم شناسی ارتباط؛ ۲. پذیرفته نبودن روابط دختر و پسر، از نظر شرعی و عرفی.

بررسی نظریه‌های ارتباط میان دختر و پسر

بر پایه نخستین دیدگاه، دو جنس مخالف به هر نحو که بخواهند، اعم از گفت و شنود، مسافرت، رفاقت، تماس بدنی و حتی کام‌گرفتن از یکدیگر، می‌توانند با هم رابطه داشته باشند؛ با این استدلال که هرگونه محدودیت موجب فزونی میل و رغبت می‌شود. خاستگاه این نظریه و مهد کنونی این ارتباط افسار گسیخته، جهان غرب به ویژه آمریکا و اروپای غربی است. دیدگاه دیگری که از آن به نظریه افراطی می‌توان یاد کرد، معتقد است که زن و مرد یا پسر و دختر حق ندارند کمترین ارتباطی با هم داشته باشند؛ خواه این ارتباط مکالمه‌ای باشد یا مکاتبه‌ای و خواه با نگاه باشد یا حضوری که در هر صورت نباید دو جنس مخالف حتی در شعاع دید و صدای یکدیگر قرار گیرند. این نظریه، بیشتر جنبه بهداشت اجتماعی دارد و به عنوان راهکارهایی برای جلوگیری از فساد اجتماعی پیشنهاد می‌شود. طبیعی است که میان دو دیدگاه افراط و تفریط، همواره نظر سومی مطرح می‌شود. زیرا آن دسته از انسان‌ها که اندیشه‌ای متعادل دارند، با نامعقول دانستن دیدگاه اول و ناممکن دانستن نظریه دوم، راه سوم را که برقراری ارتباط در چارچوب و موازین شرع و عرف است، برمی‌گزینند. این نظریه با توجه به خاستگاه فرهنگی و دینی جامعه ما، به خوبی تأیید می‌شود. قرآن کریم، کتاب اعتدال است و هم در عالم تکوین و هم در جهان تشریح که اخلاق نیز جزئی از آن است، جانب اعتدال را گرفته است. از این رو، تصمیم سوم به دیدگاه قرآن کاملاً نزدیک است. بر این اساس، درمی‌یابیم که دموکراسی جنسی و کامیابی آزادانه مردان از زنان و معاشرت‌های لذت‌بخش دیداری و شنیداری و نظریه‌ای را که حتی عادی‌ترین روابط بین زن و مرد را روا نمی‌دارد، مورد تأیید اسلام نیست. و همچنین است نظریه‌ای که حتی عادی‌ترین روابط بین زن و مرد را روا نمی‌دارد. به این ترتیب، میان دختر و پسر حریمی به بلندای حجاب و صلابت و عفاف قرار گرفته است. تا هم به دموکراسی جنسی گرفتار نگردد و هم از لغزش‌های احتمالی به هنگام تعامل با مردان، مصون بماند. طرح سه نظریه درباره برقراری ارتباط دختر و پسر و پذیرش نظریه سوم.

چشم و گوش، وسیله معرفت یا ضلالت

از میان تمامی حواس درونی و بیرونی، آنچه بیش از همه می‌تواند به افزایش علم و آگاهی انسان کمک کند، چشم و گوش است. چراکه اینها شبکه اصلی دریافت معلومات و آگاهی انسان از جهان خارج و از جمله دیگر افراد هستند. خدای سبحان می‌فرماید: **وَاللَّهُ أَخْرَجَكُمْ مِنْ بُطُونِ أُمَّهَاتِكُمْ لَا تَعْلَمُونَ شَيْئًا وَجَعَلَ لَكُمُ السَّمْعَ وَالْأَبْصَارَ وَالْأَفْئِدَةَ لَعَلَّكُمْ تَشْكُرُونَ.** (نحل: ۷۸)

خداند شما را از شکم مادران تان خارج کرد، در حالی که هیچ نمی دانستید ولی برای شما گوش و چشم و دل قرار داد. چشم بدین سبب که همه محسوسات را می بینید، از حوزه حسی وسیعی برخوردار است و گوش از آن جهت که قادر است گفته های مربوط به حوزه فراحسی را نیز بشنود، فراگیر است. بی گمان، وظیفه هر یک از اعضای بدن انسان، همان است که دست قدرتمند آفرینش برایش معین کرده است. چشم بینا و گوش شنوا می تواند انسان را به سعادت دنیوی و اخروی رهنمون سازد، ولی به کارگیری این دو ابزار در مسیر نادرست، پی آمدهای جبران ناپذیری برای آدمی به همراه دارد. یکی از شیوه های به کارگیری ناشایست و نامشروع این موهبت های الهی، برقراری ارتباط ناسالم میان دختران و پسران است. اگر آدمی این دو عضو را آزاد و رها بگذارد و آنها را با هدف لذت جویی به کار گیرد، در عین استفاده از لذت های زودگذر، آثار زیان بار و ناخوشایندی بر روح و روان او می گذارد. در واقع، امری که از مسیر سالم و عاقلانه خود خارج شود، مضر و نابود کننده است. به راستی وقتی می توان از چشم و گوش در راه حلال و مشروع بهره گرفت، بیراهه رفتن و ناراستی برای چیست؟! بدیهی است که دیدن، گفتن یا شنیدن، برای افزایش شناخت و آگاهی انسان است. نگاه به مظاهر طبیعت، صنعت، هنر و... انسان را به شناخت هر چه بیشتر آنها می رساند و به اصطلاح فرهنگ دینی، او را به حقیقت آفریننده آنها هدایت می کند. گفت و گوی انسان ها نیز برای انتقال معلومات، کسب آگاهی و بیان نیازمندی هاست. قرآن کریم هم به این اصل تأکید و چشم و گوش را ابزارهای شناخت معرفی می کند. چشم را وسیله دیدن آیات تکوینی و گوش را وسیله شنیدن آیات تشریحی و زبان را وسیله تشریح و تفسیر هر دو قرار داده است. ۱. چشم و گوش، دو ابزار مهم کسب معرفت؛ ۲. بهره گیری از این دو نعمت خدادادی در مسیر صحیح و مشروع.

وظایف فردی و اجتماعی دختران

دختران جوان باید نکات و آموزه های دینی را به درستی فراگیرند و با دقت خاصی در مسیر قرب و تکامل حرکت کنند. دختران و زنان مؤمن، باید در همه حال مراقب اعمال و رفتار و گفتار خویش باشند تا جایگاه و شخصیت اجتماعی آنان همواره حفظ شود؛ زیرا ارزش زن و دختر مسلمان به پارسایی و دیانت اوست که پاکدامنی و متانت را برای او به ارمغان می آورد. اسلام برای بسیاری از نعمت های الهی، زکات قرار داده است، برای مثال: زکات علم را نشر آن؛ زکات شجاعت را جهاد؛ زکات بدن سالم را روزه گرفتن و زکات زیبایی را نیز پاکدامنی دانسته است. این روایت از حضرت علی علیه السلام، گویای همین امر است: «زَكَاةُ الْجَمَالِ الْعِفَافُ». دختران جوان و مؤمن با حفظ غیرت، جایگاه اجتماعی خویش را قدر بدانند و در جهت حفظ پاکدامنی و تقوا از خویشتن داری غافل نباشند.

محدوده آزادی روابط دختران و پسران

چرا مقررات اسلامی، مراوده و معاشرت آزادانه و بدون قید و شرط دختران و پسران را مجاز نمی داند؟ چرا اسلام ارضای غریزه جنسی را تنها در چارچوب قانون و شرع جایز و روش های انحرافی را ممنوع کرده است؟ دیدگاه غرب در این باره هم آهنگ با غریزه و تمایل نفسانی آدمی است که به طور قطع، مفسد و زیان های بسیاری در پی دارد. روش اسلام، مخالف با آزادی نامحدود غرایز و منافی کام جویی های نامشروع است. این محدودیت، انسان را از آسیب های فردی و اجتماعی بسیاری در امان می دارد. بنابر حکم عقل و اندیشه سالم، آدمی از برخی آزادی ها چشم می پوشد و بعضی از ناکامی ها و محدودیت ها را می پذیرد تا از پی آمدهای ناگوار و گاه جبران ناپذیر آن زیان نبیند. انسان عاقل ضرر و زیان کمتر را تحمل کند تا از ضرر بزرگ تر و شر سنگین تر برکنار بماند. حضرت علی علیه السلام می فرماید: لَيْسَ الْعَاقِلُ مَنْ يَعْرِفُ الْخَيْرَ مِنَ الشَّرِّ وَلَكِنَّ الْعَاقِلَ مَنْ يَعْرِفُ

خَيْرَ الشَّرِّينِ . عاقل کسی نیست که خوب را از بد بشناسد ، بلکه خردمند آن است که دو بد را که با آنها روبه روست ، بسنجد و بدی ای را که شرش کمتر است ، تحمل کند تا از خطر بزرگ تر مصون باشد . ۱ . ارضای غرایز جنسی در محدوده شرع و قانون؛
۲ . چشم پوشی از لذت های زور گذر نفسانی که پی آمدهای زیان بار فراوان دارد .

احساسات صادق ، احساسات کاذب

بسیاری از دوستی ها و روابط غیرمجاز دختران و پسران ، ریشه در احساسات کاذب آنها دارد : «شایع ترین و متداول ترین احساسات کاذب ، بیشتر به بهانه عشق ، گریبان گیر افراد می شود . در بسیاری مواقع ، بروز این احساسات عاشقانه که به دوستی دختر و پسر نامحرم می انجامد ، نشان از بیماری روحی ، اندوه و ناراحتی عصبی آنان است . عده ای می خواهند بسیاری از کمبودها و ناکامی های روحی و عاطفی خود را با ابراز عشق و نوازش و لطف به محبوب خویش و یا دریافت مهر و محبت از محبوب ، جبران کنند . در صورتی که این گونه مهرطلبی ها و عشق ورزی ها ، صرفا برای کام جویی و ارضای بدلی است و تنها هنگام رسیدن به آن و یا اندکی پس از آن که دیگر دیر شده است ، افراد از خواب غفلت بیدار می شوند و به ناپاکی احساسات خود پی می برند . بزرگ ترین دشواری عشق ها و احساسات کاذب ، این است که تا وقتی دچار التهاب آنها هستیم ، آنها را درست و واقعی می پنداریم و تنها گذشت زمان موجب می شود که به اشتباه خود پی ببریم . اگر تفکر و تعقل چاشنی احساسات و عواطف هیجانی شود ، می تواند گزینه جنسی را در مسیر طبیعی خود قرار دهد و با ارضای طبیعی و درست آن ، به سکون و آرامش دلخواه دست یابد . در حالی که تأمین این غرایز از راه غیرشرعی و نادرست ، می تواند آسیب های روحی - روانی ناگواری بر آدمی وارد کند . ۱ . عمده دوستی های دختر و پسر ، ناشی از احساسات کاذب آنهاست؛ ۲ . در بیشتر دوستی های غیرمجاز ، تنها کام جویی بدلی اتفاق می افتد ، نه کامجویی واقعی .

کمک به هویت یابی نوجوان

یکی از وظایف مهم در تعلیم و تربیت نسل نوجوان ، یاری دادن او برای یافتن هویت خویش است که شامل ، هویت های دینی ، خانوادگی و اجتماعی اوست . مربیان ، اعم از معلمان و مدیران ، مربیان پرورشی و اولیا باید در شرایطی به پرورش جسم و روح دانش آموزان ، چه پسر و چه دختر بپردازند که اینان در پایان دوره نوجوانی بتوانند تصویر و توصیف روشنی از خود ، مسائل مذهبی ، موقعیت اجتماعی و نیز آینده خویش ، داشته باشند . روان شناسان ، دوره نوجوانی یعنی حدفواصل بین دوازده تا هجده سالگی را دوره حساس برای هویت یابی می دانند . اگر نوجوان در این مدت شخصیتی رضایت بخش و متعادل به دست آورد ، مراحل بعدی زندگی را امیدوار ، با اطمینان و پرتحرک سپری خواهد کرد . در صورت تحقق نیافتن این نوع هویت ، دختر و پسر به آشفتگی روحی و روانی دچار می شوند و در شناخت خود و انتخاب شیوه رفتاری مناسب ، با مشکل روبه رو خواهند شد . در این وضعیت ، انتخاب یک الگوی مشخص و ایدئال برای او مشکل می شود و نوجوان گرفتار افراط و تفریط بسیار خواهد شد . گاه به صورت یک فرد مذهبی افراطی جلوه گر می شود و گاه یک سره انجام وظایف مذهبی را به کنار می گذارد . بنابراین بر مسئولان فرهنگی است که پایه ها و بنیادهای مذهبی ، اجتماعی و فرهنگی نوجوانان را تحکیم بخشنده مفاهیم و ارزش های متعالی را درون شان نهادینه سازند . ۱ . نقش هویت یابی ، در انتخاب شیوه رفتاری و تصمیم گیری های شایسته؛ ۲ . هویت یابی ، عاملی در ثبات شخصیت .

یکی از عوامل ایجاد نابسامانی در روابط بین دختر و پسر در جامعه ما، نبودن آموزش صحیح در مسائل مربوط به محرم و نامحرم است. خانواده‌ها معمولاً در این زمینه برنامه مشخصی ندارند. بسیاری از خانواده‌ها گفت و گوی فرزندان خود با بعضی از افراد نامحرم فامیل را مجاز می‌دانند، مانند: روابط صمیمانه دختر عمو و پسر عمو، دختر عمه و پسر دایی و حتی وجود روابط گرم و صمیمی با افراد دورتر فامیل. رعایت نکردن متانت و حجاب در حضور چنین افرادی، بیان‌کننده این امر است که نه تنها والدین حدود شرعی روابط را به فرزندان آموزش نداده‌اند، بلکه برخی از آنان، خود نیز در رعایت آنها سهل‌انگاری و ساده‌اندیشی می‌کنند. آموزش این حدود به فرزندان، نه تنها نشانه عقب‌ماندگی و یا محدودسازی آنان نیست، بلکه به دلیل دقت و توجه خانواده به حدود و رفتار اجتماعی است. هر قدر فرهنگ خانواده بالاتر باشد، به جزئیات و دقایق زندگی، از جمله روابط اجتماعی بین دختر و پسر توجه بیشتری می‌کنند. ۱. آموزش صحیح درباره روابط محرم و نامحرم؛ ۲. نقش نظارتی و هدایتی خانواده، در کنترل روابط فامیلی.

دست آورد نگاه

نگاه کردن دختر و پسر و یا زن و مرد از روی مهر و محبت به یکدیگر، موجب انتقال تصاویر آنها به صفحه ذهن می‌شود و به صورت غیر ارادی آثار عمیقی بر خیال و تصورات شهوانی انسان، حتی انسان‌های مؤمن می‌گذارد. چرا که این عکس‌ها در قوه خیال به گونه‌ای نقش می‌بندد که جزء جداناپذیر فکر انسان می‌شود. امام علی علیه السلام بر این حقیقت اشاره کرده و فرموده است: «كَمْ مِنْ نَظْرَةٍ أُورِثَتْ مَعَهُ حَسْرَةٌ طَوِيلَةٌ؛ بسا یک نگاه، حسرت و اندوه درازمدتی را به بار می‌آورد». در روایتی دیگر از وی آمده است: «أَوَّلَ نَظْرَةٍ لَكَ وَ الثَّانِيَةَ لِأَلَاكَ وَ الثَّلَاثَةَ سَيِّئِهِمْ مَسْمُومٌ مِنْ سَهَامِ إِبْلِيسَ . نگاه اول از آن توست، نگاه دوم به سود تو نیست و اما نگاه سوم، تیری از تیرهای زهر آگین شیطان است. و باز از ایشان می‌خوانیم: «فَكَمْ مِنْ نَاطِرٍ نَظْرَةٍ زَرَعَتْ فِي قَلْبِهِ شَهْوَةً؛ چه بسیار نگاه‌هایی که شهوت را در دل بیننده کاشته است». نگاه اول چون بدون توجه است، اثر آن چندان نیست. نگاه دوم که با توجه همراه است، کمی اثر دارد. اما نگاه سوم که با قصد صورت‌گیری انجام می‌شود، تیری است برخاسته از گناه که به سوی قلب نشانه رفته است، زیرا هر آنچه دیده می‌بیند، دل از آن یاد خواهد کرد. نگاه ناپاک، آن چنان بی‌رحم است که بر جوان و پیر، دختر و پسر، شاهزاده و گدا، تأثیر یکسانی دارد. نگاه، زلیخا همسر عزیز مصر را شیفته یوسف کرد، یوسف را زندانی و زلیخا را رسوا کرد. زنان مصری با یک نگاه به یوسف، به جای میوه دست خود را بریدند. اگر دختر و پسر بتواند خود را از این دام برهاند و از لذت دنیوی نگاه چشم‌پوشد، به یقین شیرینی ایمان را خواهد چشید و خواهد فهمید که لذت همیشه در لذت بردن نیست، بلکه گاهی در ترک لذت است که به گفته سعدی شیرازی: اگر لذت ترک لذت بدانی دگر لذت نفس، لذت ندانی چنان که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرموده است: «الْنَّظْرُ سَيِّئُهُمْ مَسْمُومٌ مِنْ سَهَامِ إِبْلِيسَ مَنْ تَرَكَهَا خَوْفًا مِنَ اللَّهِ أَعْطَاهُ اللَّهُ إِيْمَانًا يَجِدُ حَلَاوَتَهُ فِي قَلْبِهِ . نگاه، تیر زهر آلود شیطان است. هر کس به خاطر خداترسی آن را ترک کند، خداوند ایمانی را به او می‌بخشد که شیرینی آن را در خویش احساس می‌کند. بنابراین رها کردن بی‌مورد نگاه جایز نیست، بلکه باید نگاه را در چنبره عقل و شرع محدود کرد. با وجود این، در صورت دیدار اتفاقی، باید با خواسته‌های نادرست دل مبارزه کرد؛ چرا که پاسخ مثبت به هر آنچه دل می‌طلبد، در اسلام جایز نیست. ۱. نگاه، تیری از تیرهای شیطان و وسیله‌ای برای گمراهی؛ ۲. آزاد نگذاشتن چشم برای سیر کردن در مناظر غیر مشروع.

استدلالات و تبیین روابط دختر و پسر از نظر اسلام

قبل از اینکه به استدلالات و تبیین روابط دختر و پسر از نظر اسلام بپردازیم چند نکته را یاد آوری می‌کنیم. اول: اینکه مبنا و ماخذ

معارف، اخلاقیات، معیارهای رفتاری و... و در یک کلام بایدها و نبایدهای فردی و اجتماعی ما برگرفته از دین اسلام است و ما در هر مرحله از مراحل زندگی بشری چه فردی و چه اجتماعی دین اسلام را حاکم می‌دانیم و آنرا ملاکی جدائی ناپذیر برای زندگی بشری قلمداد می‌کنیم. و لذا آنچه در ذیل می‌آید طبق همین ملاک می‌باشد. دوم: اگر چه عنوان مقاله روابط دختر و پسر است، اما همه زنان و مردان در این احکام مشترک هستند و اختصاص عنوان به دختر و پسر تنها به خاطر اهمیت و موقعیت حساس دختران و پسران جوان و نوجوان می‌باشد. سوم: در این مقال تنها به بیان بایدها و نبایدها در رابطه دختر و پسر پرداخته می‌شود و سخن از معضلات، راه حل‌ها و سیاست‌های صحیح و ناصحیح، آسیب‌شناسی و... در این رابطه را به مجال مقالات بعدی موکول می‌کنیم.

طرح بحث

زندگی انسان بر پایه روابط اجتماعی و پیوندها شکل می‌گیرد. آنچه از نظر اسلام در این اجتماع مهم است حرکت به سوی اخلاق متعالی و پیشرفتهای معنوی و کمال فردی و اجتماعی انسان است. و این اجتماع ناگزیر از تعامل افکار و اندیشه‌ها، فرهنگها، تعلیم و تعلم و ارتباطات می‌باشد که دین اسلام هم بر این موارد تاکید دارد. در یک جامعه اسلامی روابط و تعامل انسانها با یکدیگر برگرفته از شناخت ارزشها و آموزه‌های دینی است که چگونگی و بایدها و نبایدهای آن را بیان می‌کند. انسان، به ویژه جوان و نوجوان، به ارتباط اجتماعی نیازمند است؛ زیرا آدمی موجود اجتماعی است و ارتباط با دیگران پاسخ آن نیاز درونی به شمار می‌آید. داشتن روابط ضرورت دارد؛ ولی چگونگی آن از اهمیت بیش‌تری برخوردار است. در این میان ارتباط با جنس مخالف موضوعی مهم و حساس است. علی‌رغم این‌که افراد ناآشنا به مبانی دینی، اسلام را بدان متهم می‌کنند که مخالف حضور دختران در اجتماع است، احادیث صریحی داریم که طالب علم و دانش و فراگیرنده آن، چه دختر و چه پسر، محبوب خدایند و برای کسب دانش و کارهای مفید اجتماعی، دختران و پسران می‌توانند با حفظ پوشش و عفاف، به راحتی در جامعه ظاهر شوند و به انجام وظیفه بپردازند. «قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَ طَلَبُ الْعِلْمِ فَرِيضَةٌ عَلَى كُلِّ مُسْلِمٍ أَلَا إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ بُغَاءَ الْعِلْمِ» (الكافی/۱۳۰) «فَوَجَبَ عَلَى الْعَاقِلِ طَلَبُ الْعِلْمِ». (الكافی/ج ۱ - كتاب العقل والجهل) اسلام به اهمیت و ارزش فوق‌العاده پاکی و سلامت شخصیت دختر و پسر و لزوم رعایت حقوق فرد و جامعه در ارتباطها، نگاهها، شنیدن‌ها و مکالمات تأکید دارد و به هیچ عنوان راضی نمی‌شود که حریم قدسی دختر، خدشه بردارد یا پسر از دایره عفت و پاکی خارج شود.

تفاوت «روابط دختر و پسر» در جامعه اسلامی و فرهنگ غربی

فرهنگ غربی، به نام آزادی و در راه رسیدن به آن، فضای جامعه را خواسته یا ناخواسته ناامن و کانون خانواده را متزلزل نموده است. در چنین فضایی، هیجانات کاذب، فرصت‌اندیشیدن و خلوت معنوی و چشیدن لذت رفتارهای اخلاقی و خویشتنداری‌های عقیقانه را از انسان گرفته است. در جوامع غربی به اصطلاح «آزاد»، بر اثر بی‌بندوباری‌ها و تلاش‌های تمام ناشدنی شهروندان برای کسب منافع و رفاه بیشتر و نادیده گرفتن حریم‌های انسانی، هر روز، جنایات تازه‌ای در شرف تکوین است، که عشق‌های دروغین خیابانی و دوستی‌ها و ارتباطهای کوجه و بازاری، تنها نقطه‌های آغاز شمرده می‌شوند. در جوامع غربی و همچنین جوامعی که مقلد غرب هستند، نسل جوان، هدف تبلیغات رسانه‌ای قرار گرفته‌اند تا مصرف بیشتر محصولات تجاری را به دنبال داشته باشند. لباس‌های مُردِ روز، لوازم آرایشی، فیلم‌ها و آوازهای سبک یا غیر اخلاقی، مواد انرژی زا و توهم‌زا و... بدون آن‌که فرصت انتخاب داشته باشند و یا بتوانند آگاهانه از حلقه و گردونه‌ای که درونش قرار گرفته‌اند، خارج شوند. در چنین جامعه‌ای که به هیچ اصل اخلاقی یا آرمان غیر مادی پایبند نیست، همگان قربانی‌اند. و به اصطلاح تر و خشک با هم می‌سوزند. با چنین شرایطی که

بر جوانان در جوامع غربی و کشورهای تحت نفوذ آنان حاکم است، باید دید الگوهای دخترها و پسرها، چه کسانی هستند؟ آیا افراد عالم و دانشمند و متفکر و هنرمند واقعی الگو هستند یا هنرپیشه‌های جلف و فاقد ابتکار و بی‌اندیشه‌ای که تنها ظاهری جذاب دارند؟ آیا این روند، دلیل انحطاط و سقوط اخلاقی و موجب سرگردانی و بی‌هدفی نسل جوان دختر و پسر یک جامعه نیست؟ آیا متفکران و مربیان بزرگ غرب در دهه‌ها و سده‌های گذشته، با آن همه مبارزات پیگیر و تحمل آن همه رنج، چنین فضای فرهنگ‌سوز و مادیت‌زده‌ای را آرزو کرده بودند؟ و آیا شایسته است که ما به جای تصحیح و ارتقای فرهنگ خویش، خود را به چنین فضای وهم‌آلودی بسپریم؟ اما در جامعه اسلامی، جامعه دینی در روابط اجتماعی خود، توجهی ویژه به حصار عفاف و حریم شخصی دختر و پسر دارد. روش اسلام، این است که انسان، معتدل و متعادل زندگی کند و از هر افراط یا تفریطی به دور باشد. خداوند نیز مسلمانان را «امت متعادل» می‌نامد. «وَكَذَلِكَ جَعَلْنَاكُمْ أُمَّةً وَسَطًا لِتَكُونُوا شُهَدَاءَ عَلَى النَّاسِ» (سوره بقره، آیه ۱۴۳) و افراد اجتماع را به روش صحیح زندگی فرامی‌خواند و در مقررات خود، همه جنبه‌های نیاز دختر و پسر را در نظر می‌گیرد. از جمله، دختران را تا حدودی که منجر به زیان دیدن و انحراف آنها نشود، از شرکت در اجتماع، نهی نمی‌کند. رسول خدا (ص) به برخی از زنان اجازه می‌دادند که حتی در جنگ‌ها برای امداد و کمک به مجروحان و سربازان، شرکت کنند و در تاریخ اسلام، نمونه‌های بسیاری برای مشارکت زنان و دختران در فعالیت‌های اجتماعی ذکر شده است. (از جمله نسبه که جایگاه ویژه ای نزد رسول خدا ص داشت) روشن است که رعایت حریم‌ها از سوی زنان و مردان، تضمین لازم برای دوام چنین مشارکتی است و حضور زنان و دختران در فضاهای عمومی یک جامعه، مشروط به صلاحیت اخلاقی و متانت مردان و پسران آن جامعه است. اسلام به خطرات ناشی از روابط به اصطلاح «آزاد» دختر و پسر کاملاً آگاه است و نهایت مراقبت را در روابط و برخوردهای دختران و پسران دارد، تا حدی که منجر به انحراف و فساد نشود و طرفدار مشارکت دختران و پسران در جامعه به شکل معقول و با حفظ حریم است. اسلام، در عین این که اجازه شرکت در محافل، مدارس، دانشگاه‌ها، مساجد و... را به جوانان دختر و پسر می‌دهد، دستور می‌دهد که به صورت مختلط نباشد و محلّ نشست و برخاست‌ها از یکدیگر جدا باشد. آنچه که اسلام به صورت یک توصیه اخلاقی در مورد جامعه مدنی ابراز می‌دارد، این است که اجتماع مدنی، تا حدّ ممکن، غیر مختلط باشد. به عنوان مثال در تفسیر این آیه آمده است: «لَئِنْ لَمْ يَنْتَهِ الْمُؤْمِنُونَ وَالَّذِينَ فِي قُلُوبِهِمْ مَرَضٌ...» یعنی «اگر منافقان و بیمار دلان و کسانی که شایعات بی‌اساس و اخبار دروغ در مدینه پخش می‌کنند دست از کار خود برندارند، تو را بر ضد آنان می‌شورانیم سپس جز مدت کوتاهی نمی‌توانند در کنار تو در این شهر بمانند» (سوره احزاب / ۶۰). که در تفسیر بیمار دلان (فی قلوبهم مرض) آمده: یعنی کسانی که فاجر هستند و ایمانی ضعیف دارند آنها کسانی هستند که از مراد و اختلاط با زنان و اذیت آنان باکی ندارند.

روابط بین دخترها و پسرها

توضیح

روابط بین زن و مرد را به چهار صورت می‌توان در نظر گرفت: رابطه زن و شوهری، رابطه علمی، رابطه حرفه‌ای و شغلی، رابطه دوستانه.

رابطه زن و شوهری

اسلام رابطه زن و شوهر را که براساس موازین شرعی و عقد رسمی تحقق پیدا می‌کند مورد تأکید و تایید قرار داده است. ده‌ها

آیه و صدها روایت از معصوم در مورد اهمیت ازدواج و روابط زناشویی شاهد بر مدعاست. مهمترین کانون و نهاد اجتماعی خانواده است که با ازدواج و رابطه زن و مرد شکل می‌گیرد بنابراین از نظر اسلام این نوع رابطه اجتماعی مشروع و مورد تأکید و تایید است و زن و مرد هر دو در شکل‌گیری آن سهیم اند. در این خانواده است که زنان و مردان آنچه که بالاصاله برای آن خلق شده‌اند را می‌توانند بروز دهند و آن چیزی نیست جز تربیت اسلامی و تخلق به اخلاق الهی. همچنانکه خداوند پیامبرش را برای همین مهم مبعوث کرده است: «انی بعثت لاتمم مکارم الاخلاق». «قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ص إِذَا جَاءَكُمْ مِنْ تَرْصُونِ خُلُقَهُ وَ دِينَهُ فَرُوجُهُ إِلَّا تَفْعَلُوهُ تَكُنْ فِتْنَةً فِي الْمَرْضِ وَ فَسَادًا كَبِيرًا» (الكافی/ ۵/ ۳۴۷). «عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ مَنْ زَوَّجَ عَزَبًا كَانَ مِمَّنْ يَنْظُرُ اللَّهُ إِلَيْهِ يَوْمَ الْقِيَامَةِ» (تهذیب الأحكام ج/ ۷/ ۴۰۵).

رابطه علمی بین زن و مرد

این نوع رابطه با حفظ موازین شرعی و رعایت حدود الهی از ناحیه زن و مرد مجاز است و بهترین مصداق بارز آن رابطه بین استاد و شاگرد است اعم از این که استاد زن باشد و شاگرد مرد، یا بالعکس. آنچه مهم است رعایت موازین شرعی است، اگر احکام الهی مراعات شود این نوع رابطه نه تنها مجاز است بلکه مورد تأیید اسلام است و اگر حدود الهی مراعات نشود و حریم‌های بین محرم و نامحرم شکسته شود اسلام از این رابطه ناخشنود است و آن را شدیداً نهی می‌کند.

رابطه شغلی و حرفه‌ای

روابط شغلی سه گونه هستند: ۱. شغل‌هایی که عرفاً و غالباً به عهده زنان است و با وجود زنان، لزومی ندارد مردان مشغول آن حرفه شوند. مثل شغل مامایی و کارهایی که جنبه زنانه محض دارد. در این گونه موارد اسلام تأکید دارد که شغل‌های حساس و مهمی که مربوط به بانوان می‌شود خودشان به عهده گیرند. طبعاً نوع رابطه شغلی در اینجا بین زنان است و مردان حق ورود به این مشاغل را ندارند مگر در شرایط ضروری. (البته چون در گذشته به زنان مجالی برای یادگیری مشاغل و حرفه‌های مخصوص زنان نمی‌داده‌اند، هستند مردانی که به خاطر نیاز آن حرفه‌ها را فرا گرفته‌اند). ۲. شغل‌هایی که عرفاً و غالباً به مردان اختصاص دارد مثل کارهای شاق و سختی که با فیزیکی بدن زن و روحیات او سازگار نیست. لذا وارد شدن در کارهایی که از تحمل زن خارج است و به نحوی به او ضرر می‌زند جایز نیست. هر چند شاید باشند زنانی که قدرت بدنی بالایی داشته باشند اما غالباً و حتی می‌توان گفت همه زنان در این دسته نقش چندانی را نمی‌توانند ایفا کنند. ۳. شغل‌هایی که مشترک بین زنان و مردان است که اکثر موارد و بیشتر کارها تقریباً بین زن و مرد مشترک است. در این گروه، اگر زن و مرد ضوابط شرعی را رعایت کنند و حرمتها و حیا و عفت و دین‌داری را سرمشق قرار دهند و مرتکب عمل حرامی نشوند می‌توانند مشارکت فعال داشته باشند مانند بسیاری از کارها از جمله نمایندگی مجلس، معلمی و تحقیق و پژوهش و... در هر سه گروه اگر نیازی به همکاری و استعانت و ارتباط زنان و مردان بود تنها با رعایت موازین شرعی، عرفی، عقلی، حفظ حیا و عفت و پرهیز از گناه است که می‌توان این ارتباط را جایز دانست و در غیر این صورت (عدم رعایت موازین شرعی و عرفی و عقلی و...) هر گونه ارتباطی حرام است.

رابطه دوستی بین دختر و پسر

شاید بعضی تعجب کنند اما با صراحت تمام می‌تون گفت که این نوع رابطه از نظر اسلام حرام است و قرآن از دوستی بین دختر و پسر و اینگونه روابط نهی کرده است همچنانکه در تفسیر آیه ۶۰ سوره احزاب گذشت. زیرا عفت عمومی جامعه با اینگونه روابط آسیب جدی می‌بیند پایه‌های ازدواج و خانواده سست می‌شود و صدها مفسده اخلاقی برای دختر و پسر و جامعه دارد. و اساساً

در اسلام چیزی به نام دوستی بین دختر و پسر یا زن و مرد وجود ندارد و هر چه هز این باب است حرام است. مگر اینکه برای دوستی معانی متعددی قائل باشیم که یکی از آن معانی را بتوان با موازین شرعی همسان و همراه دانست هر چند در حال حاضر آنچه به نام دوستی در عرف جوامع بشری مشاهده می شود همان معنای آزادی در رابطه و بی بند و باری است که در دین مبین اسلام و شرع مقدس هیچ توجیهی برای آن نیامده است و این نوع رابطه با اساس حکمت اخلاق و کمال انسان در تضاد است. بدون تردید اگر ائمه (ع) از حضور زنان در جامعه نهی کرده اند اینطور نیست که این نهی بدون هیچ قید و شرطی باشد بلکه سیره عملی آنها به این امر مطلق تخصیص می زند و نشان می دهد که منظور ائمه این نیست که زنان مطلقاً نباید در امور اجتماعی مشارکت داشته باشند بلکه منظور آنها این است که زنان اولاً، بدون دلیل موجه نباید در میان مردان و مقابل چشم آنها قرار گیرند. ثانیاً، در صورت لزوم باید حضورشان در حد نیاز و ضرورت باشد و ثالثاً حضوری همراه با رعایت موازین و امورات شرعی و عقلی و عرفی.

معیارهای اسلامی و اخلاقی در روابط

توضیح

یک رابطه دارای ابعادی است از جمله: نگاه، پوشش، فکر و اندیشه، گفتار، رفتار. و برای هر کدام اسلام قانون و موازین خاص خود را دارد که می طلبد زن و مرد مسلمان اینچنین باشند.

نگاه

رسول اکرم (ص) به حضرت علی (ع) فرمود: «ای علی! نگاه اول، برای توست چرا که ابزار شناخت است؛ اما نگاه دوم به زیان توست» (من لا یحضره / ۱۹/۴). (حقیقت این است که در مناسبات و روابط اجتماعی دختر و پسر، پیشنهاد دین و اصل اخلاقی، ترک نگاه‌های شهوانی دختر و پسر به یکدیگر و پرهیز از لذتجویی‌های بی ضابطه و بازی کردن با عواطف یکدیگر است. جوانی که چشمش به جنس مخالف می افتد و احیاناً از وی خوشش می آید، می خواهد که برای بار دوم نیز به وی نگاه کند و لذت ببرد. نوبت اول، چون نگاه و تلذذ غیر عمدی است، مانعی ندارد؛ ولی نوبت دوم، چون به قصد لذت بردن از دیگری و بهره‌جویی از سرمایه دیگری است، جایز نیست. «جعفر بن محمد ع قال ما یأمن الذین ینظرون فی أدبار النساء أن یتزلوا بذلک فی نساءهم». (من لا یحضره / ۱۹/۴) «چه بسیارند نگاه‌های کوتاه و لذت‌های زودگذری که بعدها حسرت‌ها و تأسف‌های طولانی در پی خواهند داشت!» (کافی / ج ۵ / ص ۵۵۹). با همه این مرزبندی‌ها و سفارش‌های خیرخواهانه، در اسلام، نگاه کردن دختر و پسر به یکدیگر و گفتگوی آنها، چنانچه به قصد خواستگاری و ازدواج (یعنی رفتن به سمت تشکیل کانون خانواده و رسیدن به ثبات و آرامش) باشد، مانعی ندارد. «عَنْ عَلِيٍّ ع فِي رَجُلٍ يَنْظُرُ إِلَى مَحَاسِنِ امْرَأَةٍ يُرِيدُ أَنْ يَتَزَوَّجَهَا قَالَ لَا بَأْسَ».

در پوشش

اسلام هم برای مردان و هم برای زنان پوشش خاصی را مد نظر دارد. پوششی که اسلام برای دخترها مقرر کرده است، بدین منظور نیست که جلوی فعالیت‌های اجتماعی آنان را بگیرد و از خانه بیرون نروند. پوشش دخترها در اسلام، این است که دختر در معاشرت خود با پسران، بدن خود را (بجز صورت و دست‌ها) بپوشاند و به جلوه‌گری و خودنمایی نپردازد. سوالی که شاید ما را

به خود مشغول سازد این است که چرا مردان باید آزاد باشند تا همچون کالا- به زن بنگرند؟ آیا همین نگرش نیست که نظام خانواده را در غرب، متزلزل کرده است؟ اسلام با وضع نمودن نوعی مقررات برای پوشش، حفظ سلامت جسم و جان فرد و روح جامعه را تضمین کرده است. به این ترتیب، حفظ نگاه و حجاب مرد و زن، حقیقتاً مصونیت‌بخش و پاسدار حریم آنانست. در آیین اسلام، پسران فقط وقتی می‌توانند که ارتباط کامل و بی‌حدی با دختران داشته باشند که تشکیل خانواده داده باشند و آگاهانه انتخاب و مسئولیت پذیرفته باشند، در کانون گرم و صمیمی خانواده است که می‌توانند با دختر (به عنوان همسر قانونی خود)، پیوند کامیابی برقرار کنند. قبل از آن، نباید فکر و ذهن هیچ دختر یا پسر جوانی به این موضوع، مشغول باشد و مانع فکر و تحصیل و کارهای زندگی او و دیگران شود.

اندیشه و قلب

نبودن حریم بین دختر و پسر، و آزادی در معاشرت‌ها، هیجان‌ات و التهاب‌های جنسی را افزایش می‌دهد و هنگامی که میل جنسی از تعادل و مسیر طبیعی‌اش خارج شد، این میل به صورت یک عطش روحی و یک خواست سیری‌ناپذیر و اشباع‌نشدنی در فرد ظاهر می‌شود که مهاری برای آن نیست. گزینه جنسی، گزینه‌ای نیرومند، عمیق و پردامنه است که هرچه انسان این نیرو را رها کند و کنترل نکند خاموش که نمی‌شود شعله و رتر هم می‌شود. مثل افراد آزمندی که هرچه پول بیشتری به دست بیاورند، حریص‌تر می‌شوند. تاریخ از آزمندی‌های جنسی، بسیار یاد می‌کند. حس تصرف و تملک زیارویان در پادشاهان هیچ حد و مرزی نداشته و سیرایشان نکرده است. صاحبان حرمسراها، هر روز در پی شکار کردن شکار دیگری برای خود بوده‌اند. اسلام به قدرت شگرف این گزینه، توجه کامل کرده و هشدارهای زیادی درباره خطرناک بودن نگاه جنسی بی‌ضابطه و خلوت کردن پسر و دختر با هم و معاشرت‌های کنترل نشده آنان می‌دهد از جمله می‌فرماید: «که هر جا زن و مرد نامحرمی تنها بودند سومی آنها شیطان است». از طرفی تدابیری برای تعدیل و رام کردن این گزینه اندیشیده است و برای هر یک از دو جنس، تکلیف‌ها و مقرراتی معین نموده است. به عنوان نمونه، قرآن کریم می‌فرماید: «به مردان بگو چشم‌ها از نگاه ناروا بپوشند و اندام خود را پوشیده دارند و به زنان نیز بگو تا چشم‌ها از نگاه ناروا باز دارند و اندام خود را بپوشند». (نور، آیه ۳۱). آیین ما از ما می‌خواهد که اندیشه‌مان را هوس آلود نکنیم، خیال‌گناه را در ذهن خود نپروریم، به نامحرمان خیره نشویم و دزدانه نگاه نکنیم، به قصد لذت‌های جنسی به نامحرمی ننگریم و با چنین قصدی به معاشرت‌های اجتماعی قدم نگذاریم. اگر خدا به ما قلبی ملامال از محبت و عشق عطا کرده نه به خاطر آنست که این خانه را جولانگاه هوسها و زیباییهای کثیف دنیایی کنیم بلکه این مکان پر مهر و محبت و عشق را خدا برای خود آفریده است و به انسان هم اخطار داده که یک قلب بیشتر نداری و آن برای من است. «خدا در قلب هیچ انسانی دو دل قرار نداده است».

گفتار

شنیدن صدای دختر برای پسر، در صورتی که همراه با ناز و عشوه و قصد لذت‌بردن و خوش آمدن در کار نباشد، اشکالی ندارد. برای دختر، شایسته نیست که در سخن گفتن با پسری، صدای خود را نازک کند و به نحوی با عشوه و اطوار، سخن بگوید. خدای متعال در قرآن، به زنان می‌فرماید: «در حرف زدن، صدا را نازک و مهیج نکنید که موجب طمع بیمار دلان گردد» (سوره احزاب، آیه ۳۲) (و امام علی (ع) می‌فرمود: «به دختران جوان، سلام نمی‌کنم که مبادا پاسخ آنها دلم را به لغزش افکند»). (الکافی، ج ۲، ص ۶۴۸). البته این فرمایش امام علی (ع) که در اوج عصمت هستند همچون معصومان دیگر نه برای خود بلکه برای آموزش به شیعیان و مسلمانان و مومنان است که در روابط با دختران چگونه باشند.

رفتار

احتیاطها و توصیه‌های دین مبین اسلام، مبنی بر دور نگه داشتن و فاصله داشتن دختران و پسران نامحرم از یکدیگر، صرفاً به خاطر حفظ سلامت روحی خود آنان و سلامت اجتماع و پاکی خانواده و عزت و شرف و تعالی آنان است. روح جوان، فوق العاده تحریک پذیر است. اشتباه است که گمان کنیم تحریک پذیری روح انسان، محدود به حد خاصی است و پس از آن، آرام می‌گیرد. همان قدر که انسان از رسیدن به جاه و مقام و ثروت سیر نمی‌شود، در میل جنسی نیز چنین است. در محیطهای آزاد و باز، هیچ پسری از تصاحب زیبارویان و هیچ دختری از متوجه کردن پسران به خود و تصاحب قلب آنان سیر نمی‌شود. از طرفی، هوس، در هیچ نقطه‌ای توقف نمی‌کند و تقاضای نامحدود انسان، خواه ناخواه، انجام ناشدنی است و امکان برآوردن همه خواسته‌ها هیچ‌گاه برای بشر، میسر نیست. دست نیافتن به آرزوها و هوس‌ها، در جای خود، منجر به اختلالات روحی و بیماری‌های روانی می‌گردد. به محیطهایی که بی‌بند و باری در آنها زیاد است، بنگرید. خواهید دید که در آن محیطها، آمار بیماری‌های روانی و مشکلات روحی، بالاست. شاید مهم‌ترین علت، همین آزادی جنسی و تحریکات فراوان روانی است که به وسیله عکس‌ها، مجلات، فیلم‌ها و سی‌دی‌ها و محافل مختلط تفریحی و حتی در کوچه و خیابان و تبلیغات کالاها و مژدها و... دامن زده می‌شود و غالباً بی‌پاسخ می‌ماند؛ چرا که تخلیه جسم و روان از این هیجانات فزاینده، عملاً ممکن نیست و بدین ترتیب، پیری زودرس و روان‌پریشی و اختلالات روحی دیگر، پیامدهای طبیعی آن فضا هستند. اولین فایده رفتار طبق مقتضای اسلام، امنیت فضای خانواده و اجتماع، ارتقای موقعیت زنان و دختران، شکوفایی استعدادهای مختلف جوانان، و... می‌باشد که مهم‌ترین نشانه‌های «بهداشت روانی» یک جامعه محسوب می‌شوند که زمینه لازم برای تولیدات فکری و صنعتی و توسعه ابعاد مادی و معنوی جامعه است. در نهایت می‌توان گفت آنچه حقیقتاً امروز معضل است و مسئولین و روانشناسان و جوانان را سردرگم کرده مسئله کنار آمدن با امیال و کنترل غرائض در این ارتباط است که به خاطر نا آگاهی‌ها در روابط و تربیت‌ها مشکلات روحی شدید و حدیدی برای دختر و پسر بوجود می‌آید که راه خلاصی از آن را سخت می‌کند. و گرنه در حیطه روابط دختر و پسر هیچ ابهامی وجود ندارد و شرع مقدس تمام آنچه را که این ارتباط را توضیح و تبیین می‌کند بیان کرده همچنانکه گوشه‌ای از آن را مشاهده کردید. البته می‌دانیم که برای نجات از سردرگمی و خلاصی از بند هواهای نفس و غرور جوانی و فشارهای جنسی و حس گرایش به جنس مخالف دین اسلام راه کارهای زیبا و ظریفی ارائه داده است که این مقال را جای آن بحث نیست.

منابع

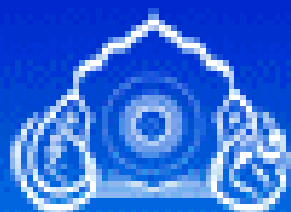
- ۱) المیزان، ترجمه موسوی همدانی، ج ۱۶، ص ۲۴۶۱) شیخ حر عاملی، آداب معاشرت، ص ۳۶۷) مرتضی مطهری، نظام حقوق زن در اسلام، ص ۴۱۴۸) ویل دورانت، لذات فلسفه، ص ۵۱۴۱) ابوالقاسم مقیمی حاجی، جوانان و روابط، ص ۷، به نقل از لذات فلسفه ۱۲۲) ۶) میزان الحکمه، ج ۴، ص ۲۷۲، حدیث ۷۷۸۰۷) میزان الحکمه، ج ۵، ص ۲۹۷، حدیث ۱۰۲۲۱) روانشناسی رشد (۲)، دفتر همکاری حوزه و دانشگاه، ص ۹۷۸۲) المیزان، ترجمه موسوی همدانی، ج ۱۳، ص ۲۶۲) الدر المنثور، ج ۶، ص ۱۱۲۴۴) کافی، ج ۵، ص ۱۲۶۲) شرح غرر و درر، آمدی، ج ۱، ص ۱۳۳۹۴) میزان الحکمه، ج ۸، ص ۴۸۵، حدیث ۱۷۸۳۱ پایان

درباره مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

بسم الله الرحمن الرحيم جاهِدُوا بِأَمْوَالِكُمْ وَأَنْفُسِكُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ ذَلِكُمْ خَيْرٌ لَكُمْ إِنْ كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ (سوره توبه آیه ۴۱) با اموال و

جانهای خود، در راه خدا جهاد نمایید؛ این برای شما بهتر است اگر بدانید حضرت رضا (علیه السلام): خدا رحم نماید بنده‌ای که امر ما را زنده (و برپا) دارد ... علوم و دانشهای ما را یاد گیرد و به مردم یاد دهد، زیرا مردم اگر سخنان نیکوی ما را (بی آنکه چیزی از آن کاسته و یا بر آن بیفزایند) بدانند هر آینه از ما پیروی (و طبق آن عمل) می کنند بنادر البحار-ترجمه و شرح خلاصه دو جلد بحار الانوار ص ۱۵۹ بنیانگذار مجتمع فرهنگی مذهبی قائمیه اصفهان شهید آیت الله شمس آبادی (ره) یکی از علمای برجسته شهر اصفهان بودند که در دلدادگی به اهل بیت (علیهم السلام) بخصوص حضرت علی بن موسی الرضا (علیه السلام) و امام عصر (عجل الله تعالی فرجه الشریف) شهره بوده و لذا با نظر و درایت خود در سال ۱۳۴۰ هجری شمسی بنیانگذار مرکز و راهی شد که هیچ وقت چراغ آن خاموش نشد و هر روز قوی تر و بهتر راهش را ادامه می دهند. مرکز تحقیقات قائمیه اصفهان از سال ۱۳۸۵ هجری شمسی تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن امامی (قدس سره الشریف) و با فعالیت خالصانه و شبانه روزی تیمی مرکب از فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مختلف مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است. اهداف: دفاع از حریم شیعه و بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام) تقویت انگیزه جوانان و عامه مردم نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی، جایگزین کردن مطالب سودمند به جای بلوتوث های بی محتوا در تلفن های همراه و رایانه ها ایجاد بستر جامع مطالعاتی بر اساس معارف قرآن کریم و اهل بیت علیهم السلام با انگیزه نشر معارف، سرویس دهی به محققین و طلاب، گسترش فرهنگ مطالعه و غنی کردن اوقات فراغت علاقمندان به نرم افزار های علوم اسلامی، در دسترس بودن منابع لازم جهت سهولت رفع ابهام و شبهات منتشره در جامعه عدالت اجتماعی: با استفاده از ابزار نو می توان بصورت تصاعدی در نشر و پخش آن همت گمارد و از طرفی عدالت اجتماعی در تزریق امکانات را در سطح کشور و باز از جهتی نشر فرهنگ اسلامی ایرانی را در سطح جهان سرعت بخشید. از جمله فعالیت های گسترده مرکز: الف) چاپ و نشر ده ها عنوان کتاب، جزوه و ماهنامه همراه با برگزاری مسابقه کتابخوانی ب) تولید صد ها نرم افزار تحقیقاتی و کتابخانه ای قابل اجرا در رایانه و گوشی تلفن همراه ج) تولید نمایشگاه های سه بعدی، پانوراما، انیمیشن، بازیهای رایانه ای و ... اماکن مذهبی، گردشگری و ... د) ایجاد سایت اینترنتی قائمیه www.ghaemiyeh.com جهت دانلود رایگان نرم افزار های تلفن همراه و چندین سایت مذهبی دیگر ه) تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و ... جهت نمایش در شبکه های ماهواره ای و راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی (خط ۲۳۵۰۵۲۴) ز) طراحی سیستم های حسابداری، رسانه ساز، موبایل ساز، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک، SMS و ... ح) همکاری افتخاری با دهها مرکز حقیقی و حقوقی از جمله بیوت آیات عظام، حوزه های علمیه، دانشگاهها، اماکن مذهبی مانند مسجد جمکران و ... ط) برگزاری همایش ها، و اجرای طرح مهد، ویژه کودکان و نوجوانان شرکت کننده در جلسه ی) برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم و دوره های تربیت مربی (حضور و مجازی) در طول سال دفتر مرکزی: اصفهان/خ مسجد سید/ حد فاصل خیابان پنج رمضان و چهارراه وفائی / مجتمع فرهنگی مذهبی قائمیه اصفهان تاریخ تأسیس: ۱۳۸۵ شماره ثبت: ۲۳۷۳ شناسه ملی: ۱۰۸۶۰۱۵۲۰۲۶ وب سایت: www.ghaemiyeh.com ایمیل: Info@ghaemiyeh.com فروشگاه اینترنتی: www.eslamshop.com تلفن ۲۵-۲۳۵۷۰۲۳-۲۳۳۳۰۴۵ (۰۳۱۱) فکس ۲۳۵۷۰۲۲ (۰۳۱۱) دفتر تهران ۸۸۳۱۸۷۲۲ (۰۲۱) بازرگانی و فروش ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹ امور کاربران ۲۳۳۳۰۴۵ (۰۳۱۱) نکته قابل توجه اینکه بودجه این مرکز؛ مردمی، غیر دولتی و غیر انتفاعی با همت عده ای خیر اندیش اداره و تامین گردیده و لی جوابگوی حجم رو به رشد و وسیع فعالیت مذهبی و علمی حاضر و طرح های توسعه ای فرهنگی نیست، از اینرو این مرکز به فضل و کرم صاحب اصلی این خانه (قائمیه) امید داشته و امیدواریم حضرت بقیه الله الاعظم عجل الله تعالی فرجه الشریف توفیق روزافزونی را شامل همگان بنماید تا در صورت امکان در این امر مهم ما را یاری نمایند انشاءالله. شماره حساب ۶۲۱۰۶۰۹۵۳، شماره کارت: ۶۲۷۳-۵۳۳۱-۱۹۷۳-۳۰۴۵ و شماره حساب شبا: ۵۳-۵۳۰۶۰۹-۰۶۲۱-۰۰۰۰-۰۰۰۰-۰۰۰۰-۱۸۰۰-۰۱۹۰ IR به نام مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان نزد

بانک تجارت شعبه اصفهان - خیابان مسجد سید ارزش کار فکری و عقیدتی الاحتجاج - به سندش، از امام حسین علیه السلام :- هر کس عهده دار یتیمی از ما شود که محنت غیبت ما، او را از ما جدا کرده است و از علوم ما که به دستش رسیده، به او سهمی دهد تا ارشاد و هدایتش کند، خداوند به او می‌فرماید: «ای بنده بزرگوار شریک کننده برادرش! من در کرم کردن، از تو سزاوارترم. فرشتگان من! برای او در بهشت، به عدد هر حرفی که یاد داده است، هزار هزار، کاخ قرار دهید و از دیگر نعمت‌ها، آنچه را که لایق اوست، به آنها ضمیمه کنید». التفسیر المنسوب إلی الإمام العسکری علیه السلام: امام حسین علیه السلام به مردی فرمود: «کدام یک را دوست تر می‌داری: مردی اراده کشتن بینوایی ضعیف را دارد و تو او را از دستش می‌رهانی، یا مردی ناصبی اراده گمراه کردن مؤمنی بینوا و ضعیف از پیروان ما را دارد، امّا تو دریچه‌ای [از علم] را بر او می‌گشایی که آن بینوا، خود را بدان، نگاه می‌دارد و با حجّت‌های خدای متعال، خصم خویش را ساکت می‌سازد و او را می‌شکند؟». [سپس] فرمود: «حتماً رهاندن این مؤمن بینوا از دست آن ناصبی. بی‌گمان، خدای متعال می‌فرماید: «و هر که او را زنده کند، گویی همه مردم را زنده کرده است»؛ یعنی هر که او را زنده کند و از کفر به ایمان، ارشاد کند، گویی همه مردم را زنده کرده است، پیش از آن که آنان را با شمشیرهای تیز بکشد». مسند زید: امام حسین علیه السلام فرمود: «هر کس انسانی را از گمراهی به معرفت حق، فرا بخواند و او اجابت کند، اجری مانند آزاد کردن بنده دارد».



مرکز تحقیقات و ترجمه

اصفهان

گامگاه

WWW



برای داشتن کتابخانه های تخصصی
دیگر به سایت این مرکز به نشانی

www.Ghaemiyeh.com

www.Ghaemiyeh.net

www.Ghaemiyeh.org

www.Ghaemiyeh.ir

مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.

۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹

